

اگر جغرافیا حقیقت داشته باشد، رهایی وجود ندارد
(ص و ح: ۱۴۰۳)

گردشگری جغرافیایی؛ منابع انرژی در نورآباد فارس

سیدمحمدحسین حسینی*^۱، وحید صادقی^۲

۱- دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

Mh.hossein25@yahoo.com

۲- دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

Vahidsadeghi86@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

چکیده

درون ایران فضاهایی وجود دارد که مملو از مکان‌های انرژی هستند. هیچ مکانی درون فضای کشوری بدون توانمندی و پتانسیل نیست و سطح زمین به مانند درون آن و جملگی کره زمین، منابع و منبع انرژی هستند. شیراز و پهنای گسترده فارس، همواره یادآور گردشگری و حافظ‌خوانی به شمار رفته‌اند، به همین خاطر در این مقاله به مکانی از این حوزه وسیع اشاره شده است که جغرافیای انرژی شمرده می‌شود. جغرافیا به مطالعه و بررسی منابع انرژی و روند تکامل فضاهای جغرافیایی می‌پردازد. مطالعه طیف درج‌زدگی تا توسعه فضا، برعهده علوم جغرافیایی به شمار می‌رود. از این رو مشاهدات نشان می‌دهند نورآباد فارس جایی که آفتاب در سرزمین پهناور آن غروب نمی‌کند، منابع انرژی جغرافیایی گوناگونی دارد که در صورت مدیریت درست در وقت کم‌آبی، خیل جمعیت و جز اینها می‌تواند فرمولی برای ثروت‌اندوزی انسان ساکن در این فضا و توسعه محیط اجتماعی شود. دولت‌های محلی نورآباد فارس، کارشناس و حرفه‌ای نبودند و انرژی و منابع را فرآوری و محیط‌بانی نکردند، با این حال فرصت بازساخت کافیست تا ظرفیت‌ها برای نسل‌های آتی حفظ و پایدار بمانند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد جاذبه‌های گردشگری، نورآباد فارس را جغرافیای انرژی کرده است که در این میان ۳۲ مکان گردشگری در صورت بسترسازی و اصلاحات گردشگری بنیاد از سوی قلمروداران (حاکمان و کارگزاران و مردم)، میزان گردشگر و سرمایه‌گذار خارجی بیشتری را در مقیاس استانی، ملی و حتی بین‌المللی جذب می‌کند که رشد و توسعه اقتصادی و شرایط زندگی بهتری را برای شهروندان فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: جغرافیای بدن، گردشگری، جغرافیای انرژی، نورآباد فارس.

از جغرافیا، تنها اکنونش را دوست دارم پس در لحظه زندگی کن

(ص و ح، ۱۴۰۳)

۱. درآمد

انرژی و منابع گوناگون آن، سرچشمه و نیروی اصلی تکامل در جهان خلقت است. کره زمین و فضای جغرافیای آن، انرژی و به ذات قدرت آفرینند. تفسیر مصرف‌گرایی و درآمدزایی از مفهوم گردشگری موجب استفاده بی‌رویه از منابع انرژی روی زمین شده است. گردشگری، دولتی و برآمده از دولت نمی‌تواند باشد چراکه ضد فضا و توسعه پایدار محسوب می‌شود، بلکه گردشگری یعنی حرکت و رفتار بدون آسیب در فضای جغرافیایی. گردشگری آن دسته واژه‌های سترگ است که می‌توان آن را کنار «شهروند و توسعه» قرار داد. گردشگر، تلفیقی از شهروندی و رهایی است که زمان و مکانیت دارد. گردشگری لحظه‌ای است یا نسلی یا دوره‌ای، یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌هاست. به نظر، گردشگری در هر دو لحظه است، نه آنطور که پس از تلاش و کوشش به آنچه که دستاورد اجتماعی است و حالا، گذران عمر را در ایام گشتن است که به نظر تصویری قدیمی از گردشگری است اما در لحظه حال زندگی کردن و دم را غنیمت شمردن و لذت‌های کوتاه مستدام، که امید و ادامه را به همراه دارد، معنای گردشگری است. آیا فضای جغرافیایی، همه گردشگرپذیر هستند؟ آیا فضای جغرافیایی، ویژه گردشگران به خصوص است؟ آیا گردشگری، خلق می‌شود و مادی است یا به طور طبیعی شکل می‌گیرد؟ به نظر می‌رسد، ضمن اینکه برخی گردشگران به دنبال فضاهای به خصوصی برای لذت بردن هستند، فضاها، به طور کلی ظرفیت جذب همه نوع گردشگر را دارند و دولت‌ها با ایجاد زیرساخت و در پیش گرفتن سیاست‌های درست، موانع را مرتفع و زمینه را برای حضور گردشگر فراهم می‌کنند. در عین حال که چنین پرسش‌هایی قابل پاسخ است اما هنوز گردشگری جغرافیایی و متکی به مکان و فضاها و تصاویر و چشم‌اندازهای درون آن، قوی‌ترین منبع انرژی و شاید لذت‌بخش‌ترین نوع گردشگری به شمار می‌رود که سرمایه محسوب شده و ثروت و توسعه را به همراه می‌آورد. جغرافیای بلوط و فارس تاریخ‌پایه، نورآباد فارس را منبع و جغرافیای انرژی کرده است که در صورت حفظ و فرآوری و مدیریت بهینه به شکل برنامه‌ریزی فضایی و مکانی می‌تواند ممانی و رستم را توسعه‌مندتر کند.

آزادی شخصی و اجتماعی گردشگران در طبیعت اصل بنیادین در توریسم جغرافیایی نورآباد محسوب می‌شود؛ چراکه قلب گردشگری، «رهایی» است. انسان در بند کنونی در پی رهایی است؛ رهایی از زندان درون/ذهن و نه آنطور که به شدت در جستجوی چیزی بودن و نه به معنای به چالش کشیدن طبیعت و یا سایر انسان‌ها، بلکه به معنای

¹. emancipation

تسلی خاطر در طبیعت بر بنیاد عقاید شخصی است. از این حیث، احترام به فرهنگ و عقاید شهروندان به عنوان گردشگر می‌تواند ثبت خاطره‌ای مثبت برای آنان را در نورآباد به همراه داشته باشد.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده و معرفی ایران گذشته و همچنین ایران کنونی به مردم کشور خود و سایر مردم جهان رهنمود مقاله است. «اقلیم پارس» را مادام‌که بنان و بیان نویسندگان و گویندگان پارسی‌زبان باقی و پایدار است، «غم از آسیب دهر نیست». زیرا در طول مرور ایام و در گذشت سنین و اعوام، همیشه سعی جمیل و کوشش مستمر این جماعت، اوصاف آن کشور هنرپرور را بر صفحه‌ی روزگار نقش کرده و با زبان سحر و کلک فتن خود مناقب آن سرزمین را به لهجات شیرین و کلمات دلاویز، به زبان نظم و نثر، مخلد ساخته‌اند (به‌خامه جناب آقای علی اصغر حکمت‌شیرازی، ۱۳۴۳ در کتاب اقلیم پارس).

نوع مقاله، پژوهشی است. نوشتار پیش‌رو حاصل کیستی‌بودن نویسندگان است؛ اهل نورآباد فارس بودن نویسندگان، شناخت عمیقی از فضا فراهم کرده است. جغرافیایی بودن مسئله هم لذت‌بخش و ضرورت و اهمیت مسئله را نشان می‌دهد. کجایی زندگی کردن نویسندگان هم زمینه اصلی ایجاد نوشتار شد. این‌طور که نویسندگان در کلان‌شهر (مشهد و تهران) زندگی می‌کنند و با آلودگی هوا و ترافیک، آشنایی کامل دارند، ضرورت مراقبت از فضاهای محلی این چینی که آکنده از اکسیژن خالص و طبیعت درمانی است را نوشتار کردند. هدف از این نوشتار، صنعت‌زایی گردشگری به معنای مصرف‌گرایی و یا ژست زادگاه‌گرایی نیست، بلکه مراقبت شهروندان و گردشگران از محیط زیست و مداخله نکردن دولت در این فضاها و آن را متعلق به همه جهانیان دانستن است.^۱ تز نوشتار، مداخله نکردن انسان دولتی در چنین فضاهایی است و تنها در صورتی به‌ازای هر یک درخت، یک توریست نشسته باشد که گردشگران هم میلیمتری این روز را سپری (مراقبت) کنند. درختان پرشماری ناشی از آتش‌سوزی گردشگران به تدریج خشک و نابود شدند. دولت نمی‌تواند گردشگری با ضریب خطای میلیمتری ایجاد کند، بلکه فرهنگ‌سازی مردمی که طبیعت، بدن است و جغرافیای بدن، گردشگری است و درک ارزشمندی چنین فضاهایی لازم است.^۲ دسترسی این مقاله برای دانشگاهیان، مردم، گردشگران، طبیعت‌گران، فارس‌شناسی و داستان‌نویسان است.

^۱. میراث مشترک بشریت

^۲. اخیراً در شبکه اجتماعی اینستاگرام این دو گزاره طنز ترند شده است: «هر کی که مکان نداره اسم خودشو گذاشته طبیعت‌گرد»، «پول که داشته باشی ولگرد هم باشی بهت می‌گن جهانگرد».

۳. شالوده‌ها، مفاهیم، نظریات و مکاتب

۳-۱. شالوده‌ی نوشتار: گردشگری از منظر جغرافیای بدن

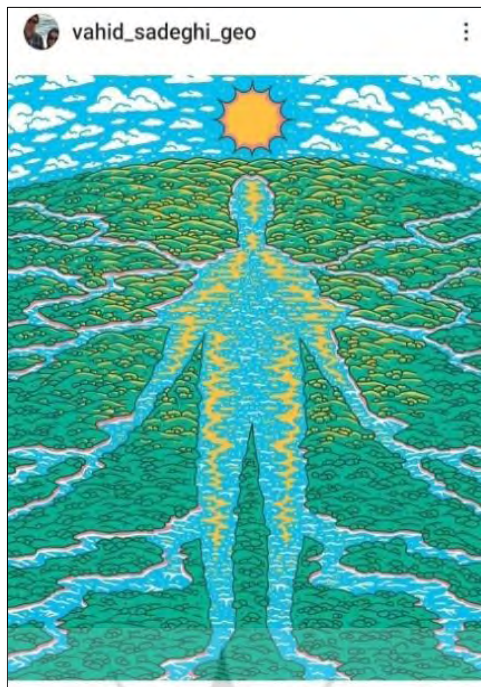
گردشگری بادی‌لنگویج^۱ نیست، جغرافیای بدن^۲ است. جغرافیای بدن، زمین و آدم فضایی و خاکی و گوشتی است که هم می‌تواند جزئی از چرخه زیست باشد و هم بر جغرافیا. در جغرافیا بودن، روند تکامل فضاست و بر جغرافیا بودن یعنی مسلط بر جغرافیا و سلطان بر طبیعت. گردشگر، جغرافیای بدنی‌ست در جغرافیا و نه بادی‌لنگویج بر جغرافیا، از این رو هم‌تراز «شهروند، توسعه و رهایی» است. گردشگری مهاجرت نیست؛ شهروندی نیست، کوچ جغرافیایی هم نیست؛ سفر به درون و بیرون نیست؛ اوقات فراغت هم نیست؛ ول‌گردی هم نیست؛ طبیعت‌گردی هم نیست؛ پرسه‌زدن هم نیست؛ جهان‌گردی هم نیست؛ نفی تعلقات دنیوی هم نیست؛ لذت‌گرایی هم نیست؛ بلکه انسان جغرافیایی است که قصد بررسی و مطالعه روند تکامل فضای جغرافیایی را دارد. گردشگری مادی نیست، بلکه انسانی و در جستجوی تکامل جغرافیای بدن است. جبر تکاملی، نیاز به رهایی از مادیات و ماتریکس و پیله ماشینی و دربندی و به کمال رسیدن است. گردشگری، نفی مالکیت و تنوع‌پذیری و رستن از تعصب مکانی و مرزبندی است، به طوری که آرامش درون‌مایه‌اش است. «درجغرافیابودن» برای همه انسان‌ها، حق قائل است و «برجغرافیابودن»، اصالت را به آدم قلمروی خود می‌دهد. گردشگر به قصد بررسی روند تکامل فضاهای جغرافیایی و همذات‌پنداری با یکی و یا اصل زادگاه دودمانی خویشتن را پیدا کردن، صورت می‌گیرد و شاید برساخته کارکرد دولت‌ها و قدرت‌ها باشد، ولی شأن و فضیلت انسانی را دارد.

تنوع در جهان خلقت، گردشگری را دامن زده است. این می‌تواند به سبب مرزهای طبیعی روی سطح زمین باشد که شاید زاینده اصل مالکیت جانداران برای زیست و بقاست. همین تنوع بر روی سطح زمین، جغرافیا را زمینه گردشگری و یا جغرافیا را علم گردشگری دانست، کرده است. مقیاس زمین و مقیاس بدن (گردشگر)، یکی است. بدن، جایگاه جغرافیایی روح است و گردشگری، راهی به جستجوی معناست. جغرافیا که بدن است، مملو از تکه‌های طبیعی و تنی است و همه آن در جغرافیای بدنی به نام آدم شکل و نمود یافته است. در واقع انسان، زمین است و هر دو جزئی از یکدیگر که جغرافیای بدن است. در این جغرافیا، به مانند زمین، شمال و جنوب و افقی و عمومی وجود دارد و اعضاها و کارکردهای گوناگون نیز وجود دارد. شاید بتوان گفت که جغرافیای بدنی چون گردشگری در جستجوی تن خویشتن است و سیر تکامل را در قالب گردشگری جستجو می‌کند از این‌روست که، گردشگری حق طبیعی و ذاتی انسان‌هاست و نمی‌تواند برساخته دولت‌ها باشد.

^۱. Body language

^۲. Body geography

تصویر ۱) جغرافیای بدن



گردشگری متکی به ستون‌های تاریخی و تمدنی، قدیمی‌ترین فضاها را جذب‌کننده تمدنی روی سطح زمین شناخته می‌شود. این سازه‌ها، تن‌های ماندگار ایرانیان / ابرجغرافیای بدن است که رخت بر تن انداخته و اصالت وجود را نمایش می‌دهد. جدیدترین گردشگری که در ظاهر گم‌شدگی و فراموشی است اما در باطن جستجوی آن جغرافیای بدن (خویشستن) است، «گردشگری رهایی» است که دامنه‌اش آنقدر گسترده و فراگیر شده که جمعیت دامنه‌ها و کوه‌های تنگ‌سای زاگرس را دربرگرفته است. رفتن به دوردست‌ها هرچند ظاهری گم‌گشته دارد، اما جستجوی مکان خویشستن و تکمیل جداشدگی دولتی به شکل تن‌های مختلف است. تندیس حک شده در کوه‌های سوررنال تنگ‌سای نورآباد فارس جزئی از جغرافیای بدن گردشگری‌پذیر تمدن پارسی است که همه‌روزه گردشگری فعالی دارد. اثر و فرکانس انسان‌های ساکن در این منطقه در پیکره کوه‌ها به شکل تصاویر برجسته نمایان است. ردپای این نشانه‌ها قوی‌ترین فرکانس برای گردشگران در جستجوی اصل خویش است و بیشترین میزان گردشگران از این نوع گردشگری است که معتقد به یکی بودن همه انسان‌ها از آدم / ابرانسان است.

گردشگری فراموشی از گذشته، ضد عادت و زندان درون / ذهن است. گردشگری خود توسعه و یا یعنی توسعه است. گردشگری از این‌منظر هم‌تراز رهایی است. رهایی از ماتریکس فضاها، دولتی و حکومتی، فضاها، مرزدار، فضاها، مصنوعی، فضاها، مجازی، فضاها، مذهبی و دینی است و برای رفع خستگی نیز است. تمدن ایران، آن سرزمین «خاص» به شکل خرد آن «تنگ خاص» نورآباد فارس است که آن را «سرزمین رهایی و پرندگان» کرده است؛

سرزمین کهن و متمدنی که ردپا و فرکانس مردمان قدیم در جای جای آن نقش بسته و جغرافیای بدن این گوشه از جهان را خلق کرده است. از این منظر شاید این نقطه از جهان، ناف زمین و مرکز اولیه تمدن بشری بوده است.

تصویر ۲) جغرافیای بدن تنگ سا



عکاس: نویسندگان، فروردین ۱۴۰۳

۲-۳. مفهوم جغرافیای انرژی

جغرافیای انرژی^۱ به مطالعه و بررسی منابع انرژی طبیعی و انسانی می‌پردازد. بنیادهای زیستی، دموکراسی، تکنولوژی و همگرایی، اصلی‌ترین منابع انرژی کره زمین به‌شمار می‌روند. اقیانوسیه از این حیث جغرافیای انرژی است. شاخص تمدن، برای فلات ایران، انرژی برای این کشور است. جنگل در برزیل، انرژی جهانی به‌شمار می‌رود. تخت جمشید در فارس، منبع انرژی برای این استان است. در واقع جغرافیا، انرژی است چراکه خود منبع انرژی است. جغرافیای سیاسی منابع انرژی، متصرف کشورهای و دولت‌هاست. خاک، مرز، زن و دریاها، عامل‌های جغرافیای انرژی هستند که سرچشمه تعارض بین دولت‌ها و بازیگران سیاسی به‌شمار می‌روند.

^۱. Energy geography

۳-۳. هاردین و نظریه تراژدی مراتع

با اینکه مقاله گرت هاردین (۱۹۶۸) در باب تراژدی مرتع، تنها شش صفحه داشت، اما مضامین آن در موارد متعددی نقل شده است. این مقاله درباره کنترل جمعیت است که ویلیام فورستر لوید^۱ در سال ۱۸۳۳ منتشر ساخت. مفهوم مراتع، بیانگر استعاره‌ای است که طبیعت آشفته جامعه بین‌المللی و پیامدهای ناشی از آن را نشان می‌دهد. یک روستای انگلیسی قدیمی را مجسم کنید که یک مرتع مشترک دارد و تمام روستاییان مجازند تا دام‌های خود را در آن مرتع به چرای ببرند. روستاییان تازمانی به افزایش گله‌های خود ادامه می‌دهند که هر حیوان اضافی میزان سوددهی داشته باشد. اما عاقبت، چرای بی‌رویه، مرتع دامداران را به‌طور کلی از بین می‌برد. هر یک از روستاییان شخصاً علاقه دارند تا به حیوانات خود در چراگاه بیفزایند اما علاقه مشترک همه آنها، تنظیم چرا با ظرفیت کشش آن مرتع است. همچنین هر روستایی می‌داند که اگر او تنها یک حیوان بیشتر را به مرتع بیاورد، آن حیوان بلافاصله موجب تخریب آن چراگاه می‌شود. در ضمن مشکل افراد فرصت طلب نیز مطرح است؛ اگر برخی روستاییان از لحاظ بوم-شناختی، به‌طور مسئولانه‌ای عمل کرده و دام‌های خود را از چراگاه بیرون ببرند، آنان متحمل تمام هزینه‌های حفظ مرتع خواهند شد و حال آنکه همسایگان خودخواه آنان از این فرصت بهره برده و به استفاده بیش از اندازه از این منبع تا حد نابودی آن ادامه می‌دهند.

این مثال نشان‌دهنده عدم هماهنگی میان فرد و علایق جمعی است. افراد علاقه‌مندند تا به غارت یک منبع روبه‌زوال ادامه دهند، مگر آنکه فعالیت مشترک یا مداخله یک سازمان خارجی بتواند یک نظام بهره‌برداری پایدار را که به نفع همه جامعه باشد، تحمیل کند. هاردین برای حمایت از کنترل جمعیت به مثال مراتع استناد کرد و نوشت: «تنها راهی که می‌توانیم دیگر آزادی‌های ارزشمندتر را حفظ کرد و پرورش دهیم، دست کشیدن هر چه سریعتر از آزادی زاد و ولد است» (Hardin, 1968:1248).

مفهوم تراژدی مراتع در بسیاری از موارد، به‌عنوان بهره‌برداری بیش‌ازحد منابع به‌کار رفته و می‌تواند مشکلات حاصل از یک جامعه جهانی تحت سلطه کشورهای خودمختار را نشان دهد. از آن‌جاکه کشورها خودمختار هستند، هیچ مقام و مرجع برتری وجود ندارد و هر کشوری آن‌قدر منافع خودخواهانه خویش را دنبال می‌کند تا منابع اندک جهانی یا آلوده شوند و یا از میان بروند. مانند روستاییان در مثال قبلی منافع کوتاه‌مدت کشورها در به حداکثر رساندن سهم خود از منابع، ممکن است با منافع بلندمدت جمعی یا جهانی در حفظ اساس و شالوده حیات، مغایرت پیدا کند.

لیور^۲ (Laver, 1986, pp:359-373) سه راه حل ممکن زیر را برای این معضل تشخیص داد:

(۱) خصوصی‌سازی مرتع؛

(۲) انعقاد موافقت‌نامه‌های مشترک میان استفاده‌کنندگان؛

^۱. William Forester Lloyd

^۲. Laver

۳) نظارت یک سازمان خارجی؛

راه حل خصوصی سازی برای یک مسئله بین المللی یا جهانی مناسب نیست. اما یک توافق مشترک بین المللی ممکن است در تنظیم دسترسی به منابع سودمند باشد، به شرط آنکه تمام طرفین موافقت نامه به تعهدات خود احترام بگذارند، اما اگر یکی از آنها این کار را نکند، هیچ قدرت مافوقی برای حل و فصل مسئله وجود ندارد. سازمان خارجی مستقلی که بر رفتار کشورهای تابع نظارت کند نیز وجود ندارد؛ اما به تازگی، تعداد روبه رشدی از کارشناسان، حکومت جهانی را پاسخی قاطع به تراژدی مراتع جهان تلقی می کنند (مویر، ۱۳۷۹: ۴۴۵).

۳-۴. مکتب ها و استاد بزرگ آنان

الف) کلاسیسیسم

به طور کلی نیمه ی دوم قرن شانزدهم، دوره ای بود که در آن برای نخستین بار آیین ادبی جامعی برای خلق آثار ادبی به وجود آمد. این آیین ادبی اصولی داشت که حتی تا پایان قرن هجدهم نیز ارزش و اعتبار خود را از دست نداد. همین اصول، در آغاز قرن هفدهم مایه ی ایجاد مکتب کلاسیسیسم^۱ شد. می توان این مکتب را مکتب سنت گرایی در ادبیات و هنر به ویژه تقلید از نویسندگان باستان دانست. استاد بزرگ مکتب کلاسیسیسم در فرانسه، بوالو^۲ بود. از دیدگاه کلاسیک ها، هنر اصلی شاعر و نویسنده این است که اصول و قواعدی را که پیشینیان در آثار خود آورده اند، به طور کامل رعایت کند تا اثر او بتواند صفت زیبا، به خود بگیرد. از نظر آنان، تقلید از طبیعت، اصل عقل، نزاکت ادبی، آموزش و خوشایندی، اصول و قواعد عمده ی مکتب کلاسیسیسم بود (یاحقی و فرزاد، ۱۳۸۶: ۱۸۹). تقلید از طبیعت یکی از ارکان اساسی مکتب یاد شده است. نیکولا بوالو (۱۷۱۱-۱۶۳۶م) ادیب و منتقد فرانسوی، در کتاب خود فن شعر گفته است: «حتی یک لحظه از طبیعت غافل نشوید». شاید مقصود او این بوده است که باید همانند قدما، طبیعت را محور کار هنری خود قرار داد. ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی در کتاب بوطیقا (فن شعر) هنر را تقلید از طبیعت می داند و معتقد است که تفاوت هنرها در نوع تقلید است (همان، ۱۹۰).

ب) عصر روشنگری و رمانتیسیسم

جنبش رمانتیسیسم^۳ ظاهراً با اندیشه های ژان ژاک روسو^۴ (۱۷۱۲-۱۷۷۸) و ولتر^۵ (۱۶۹۴-۱۷۷۸) آغاز می گردد. ولتر، نویسنده و فیلسوف فرانسوی را تجسم بخش عصر روشنگری می دانند. در حقیقت، روشنگری در ربع سوم قرن هجدهم، در این اندیشه بود که آیا می توان همه پرسش ها را تنها از طریق عقل پاسخ گفت؟ باورمندان جریان روشنگری

1. Classicisme

2. Boileau

3. Romanticism

4. Jean Jacques Rousseau

5. Voltaire

بر پایه‌ی این فرض که بشر ذاتاً به نیکی گرایش دارد، چنین استدلال می‌کردند که عواطف آدمی همانند خرد او قابل‌اعتماد است؛ بنابراین اندیشهٔ عصر روشنگری ظهور مکتب رمانتیسیسم را فراهم کرد (همان، ۱۹۶). مهمترین تفاوت‌های دو مکتب کلاسیسیسم و رمانتیسیسم این است که کلاسیک‌ها ایده‌آل هستند؛ یعنی در هنر فقط خوبی و زیبایی را می‌خواهند. آنان زشتی‌های زندگی را نمی‌بینند؛ درحالی‌که رمانتیک‌ها می‌کوشند افزون‌بر زیبایی‌ها، زشتی‌ها و بدی‌ها را نشان دهند. به‌بیان‌دیگر، اثر رمانتیک اثری است که از ترکیب **غم و شادی، عظمت و نکبت و بزرگی** و **پستی** تشکیل شود. نکته دیگر این است که کلاسیک‌ها، عقل را اساس شعر می‌دانستند و رمانتیک‌ها، بیشتر پای‌بند احساس و خیال‌پردازی‌اند^۱ (همان، ۱۹۸).

پ) رئالیسم (واقع‌گرایی)

ادبیات واقع‌گرایانه (رئالیستی) موضوع کار خود را در جامعه معاصر و ساخت و مسائل آن می‌یافت؛ بنابراین، چنین ادبیاتی نمی‌توانست مانند رمانتیسیسم، فردی و اشرافی باشد. رئالیسم مکتبی عینی و غیرشخصی است و قهرمانان رمان‌های رئالیستی نیز نه افراد غیرعادی بلکه از مردم عادی هستند (همان، ۲۰۲). واقع‌گرایی کمابیش از سال ۱۸۳۰ به بعد پا به عرصه‌ی ظهور گذاشت. عوامل ظهور این مکتب را چند منبع دانسته‌اند: نخست، شمار زیادی از نویسندگان و هنرمندان نه‌چندان مشهور - معمولاً تهی‌دست - با ذوق و سلیقه‌های متفاوت، که در محله‌ی لاتین پاریس، کولی‌وار می‌زیستند و خوپرستی رمانتیک‌ها را مسخره می‌کردند. دوم، کاریکاتورست‌ها و نقاشان مکتب **باربیزون**، بودند. این مکتب در نقاشی رایج بود و پیروانش در کار پرداختن مناظر طبیعت، سنت‌های نقاشی کلاسیک و ایتالیایی را که مرسوم آن زمان بود، منسوخ می‌شمردند و خواهان مشاهده‌ی مستقیم طبیعت بودند. آنان دربرابر واقعیت‌گریزی مکتب رمانتیک واکنش نشان می‌دادند و برای مضامین آثار خود به مناظر فرانسه و زندگی ساده روی آوردند.

از سال ۱۸۵۰ به بعد، واقع‌گرایی دو شاخه می‌شود: نخست، واقع‌گرایی هنری که مکتب هنر برای هنر، مدافع آن است. **گوستاو فلوبر**^۲ رمان‌نویس مشهور فرانسوی و از شاعران مکتب **پارناس**، در این شاخه جای دارد. پاراناس، از

۱. **لرد بایرون** (۱۷۸۸-۱۸۲۴) بزرگ‌ترین شاعر رمانتیک انگلستان؛ او در سال‌های آخر عمرش بزرگترین شاعر اروپا بود (باحقی و فرزاد، ۱۳۸۶: ۲۰۱).

«جوانی»

چرا در غم جوانی از دست رفته بنالم؟

شاید هنوز روزهای شیرین در انتظار من باشند!

حالا که دوران جوانی گذشته را از برابر دیده می‌گذرانم،

خاطره‌ای دل‌پذیر برای من تسلائی آسمانی همراه می‌آورد.

ای نسیم‌ها،

این خاطره‌ی مرا به آنجا برید که برای نخستین‌بار دل من به تپش‌های دلی دیگر پاسخ گفت.

۲. Barbizon

۳. Gustave Flaubert

کوه‌های باستانی یونان است. دوم، واقع‌گرایی علمی یا طبیعت‌گرایی، که امیل زولا^۱ (۱۸۴۰-۱۹۰۲) رمان‌نویس فرانسوی، پیشوای ناتورالیست‌ها از آن به عنوان فرمول کاربرد علم جدید در ادبیات، دفاع می‌کند. طبیعت‌گرایی در زمینه‌ی انگشت نهادن بر پلیدی‌ها و زشتی‌هایی که بی‌محابا و به‌دقت به توصیف آنها می‌پردازد، یک دو گام از واقع‌گرایی اولیه فراتر می‌رود (همان، ۲۰۳). در این مورد از قدیم لطیفه‌ای وجود دارد که می‌گویند: آدم واقع‌گرا به بیلچه، می‌گوید: بیلچه اما طبیعت‌گرا می‌گوید: کج بیل کهنه‌ی لعنتی (همان، ۲۰۴).

ت) ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی)

در فلسفه‌ی قدیم طبیعت‌گرایی به معنایی به‌کار می‌رفت که ماده‌گرایی و لذت‌جویی و هرگونه دین‌گریزی را دربر می‌گرفت و تا قرن‌ها معنی اصلی آن همین بود. به‌بیانی کلی، ناتورالیسم فلسفه‌ای است که ذهن را وابسته به طبیعت مادی می‌کند نه مقدمه بر آن و در ادبیات و هنر، گرایشی است که از واقع‌گرایی (رنالیسم) سرچشمه می‌گیرد اما با آن متفاوت است (همان، ۲۱۴). درحقیقت، در کنار کاربردهای فلسفی و علمی طبیعت‌گرایی از قرن هفدهم به بعد، نقاش طبیعت‌گرا نقاشی بود که می‌کوشد تا شکل‌های موجود در طبیعت را به‌طور دقیق تقلید و نقاشی کند. ناتورالیسم یا طبیعت‌گرایی برای بیشتر مردم نام امیل زولا را تداعی می‌کند. شاید این امر به‌دلیل سبک خاص داستان‌های اوست که تقریباً جوهره‌ی طبیعت‌گرایی است (همان، ۲۱۵).

فرانسه سرچشمه‌ی طبیعت‌گرایی بود و طبیعت‌گرایان فرانسوی خود را نسل دوم واقع‌گرایان می‌دانستند. آنان بالزاک، فلوربر و تاحدودی استاندال را پیشگامان مکتب خود می‌دانستند. نخستین نمونه‌ی رمان ناتورالیستی *ترز راکن* (۱۸۶۷) اثر امیل زولا است. یکی از ویژگی عمده‌ی نمایشنامه ناتورالیستی، توصیف مفصل فضای صحنه‌هاست. آنان رمان را گزارش‌نامه تجارب و آزمایش‌ها می‌دانستند و معتقد بودند کسی که از روی تجربه کار می‌کند، *بازپرس طبیعت* است. آنان می‌گفتند که نویسنده باید تخیل را کنار بگذارد و به سراغ مشاهده و تجربه برود. آنها برای تحلیل ابتدال حاکم بر جوامع، همه واقعیت‌ها را برملا می‌کردند. آنان همانند نیچه، فیلسوف معروف آلمانی، انسان را یک ضمیر نمی‌دیدند بلکه او را یک نظام عصبی و قابل تشریح علمی می‌دانستند. درحقیقت، رمان‌ها و آثار پیروان این سبک آزمایشگاه تشریح مزاج افراد جامعه بود (همان، ۲۱۷).

ث) نمادگرایی (سمبولیسم)

جنبش نمادگرایی^۲ به‌دنبال طبیعت‌گرایی‌های افراطی مویاسان و فلوربر و شاعران مکتب هنر برای هنر، به‌وجود آمد. نکته جالب این است که بنیان‌گذار مکتب جدید، *شارل بودلر* (۱۸۶۸-۱۸۲۱) بود. او خود از طرفداران هنر برای هنر محسوب می‌شد ولی راه تازه‌ای را در پیش گرفت و مکتب جدیدی را بنیان گذاشت. سمبولیست‌ها به‌جای اینکه

^۱. Emile Zola

^۲. Symbolism

نوشته‌هایشان را صریح و روشن ارائه دهند، در پی بیان اندیشه‌ها و عواطف و احساسات مبهم و رازآمیز و بیان‌ناشدنی بودند. مالارمه می‌گوید: بیان رمز و راز و رؤیا با اشارات غیرمستقیم، نماد را می‌آفریند. بودلر استفاده از زبان نمادین را اساس کار خود قرار داد (همان، ۲۲۹).

حالت اندوه‌بار و ماتم‌زای طبیعت و مناظر و حوادثی که مایه‌ی یأس و عذاب و نگرانی و ترس انسان می‌شوند، از ویژگی‌های سمبولیسم است. سمبولیست‌ها تا حد امکان از واقعیت‌های عینی دور و به واقعیت‌های ذهنی نزدیک می‌شدند. همه‌ی این‌ها، جلوه‌هایی از عالم رؤیایی و اسرارآمیزی بود که در اشعار آنان دیده می‌شد. سمبولیست‌ها می‌گفتند: نظریات ما درباره طبیعت، عبارت از زندگی روحی خود ماست. ماییم که حس می‌کنیم و نقش روح خود ماست که در اشیا منعکس می‌گردد.

سمبولیسم در قرن بیستم پایان نگرفت و همگام با مکاتب قرن بیستم به راه خود ادامه داد. شاید این بدان جهت بود که واقعیت‌های هولناک قرن بیستم با جنگ جهانی و پیامدهای ناگوار آن انسان رنج دیده‌ی این قرن را وادار کرد تا از واقعیت به تخیل پناه ببرد (همان، ۲۳۱).

۴. جغرافیاشناسی فارس

فارس، در جنوب غرب ایران، چهارمین استان بزرگ کشور است. به علت پهناوری، اقلیم آن در نواحی شمالی و جنوبی متفاوت است. موقعیت استان و نزدیکی مناطق جنوبی آن به بنادر خلیج فارس و نیز ارتباطات گردشگری بین سواحل ایران و کشورهای جنوبی خلیج فارس، باعث تردد روزافزون گردشگران شده است. یکی از محورهای ترافیک، بزرگراه شیراز - اصفهان - قم - تهران است که حجم قابل ملاحظه‌ای از تردد زمینی را دربر گرفته است. خط آهن جدیدی که در سال‌های اخیر احداث شده، از حوالی شهرک صدرا در شیراز به راه‌آهن سراسری متصل شده و ارتباط آن با اروپا و آسیای مرکزی را هم امکان‌پذیر کرده است (راهنمای گردشگری استان‌های ایران، ۱۳۹۴: ۲۸۵).

فارس، یکی از قدیمی‌ترین مراکز تمدن ایران است که در کتیبه‌های هخامنشی به صورت پارسه و در نوشته‌های یونانی به شکل پرسیس آمده و معرب آن فارسی است (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۳۲). منطقه ممسنی، ابتدا انزان / انشان نامیده می‌شد و مرکز آن لیدوما بود. در دوره اسلامی نام انبوران بر این منطقه اطلاق شد که نوبندگان به مرکز آن تبدیل شد، ولی توسط ابوسعید کازرون از بین رفت. متعاقباً با ورود شول‌ها به این منطقه، نام شولستان بر آن اطلاق گردید که فهلیان به عنوان مرکز آن برگزیده شد. پس از ورود ممسنی‌ها به این منطقه و کنار زدن شول‌ها، فهلیان به عنوان کانون سیاسی ممسنی نیز استمرار یافت، اما پس از اصلاحات ارضی (۱۳۴۱)، نورآباد به عنوان مرکز ممسنی برگزیده شد که تا کنون ادامه دارد. نورآباد در شمال غربی استان فارس و غرب رشته کوه اصلی زاگرس قرار دارد. برخی معتقدند به دلیل وجود برج آتشکده و نیز سایر آتشکده‌ها در منطقه ممسنی، اطلاق واژه «نورآباد» بی‌مناسبت نیست (نوبان به نقل

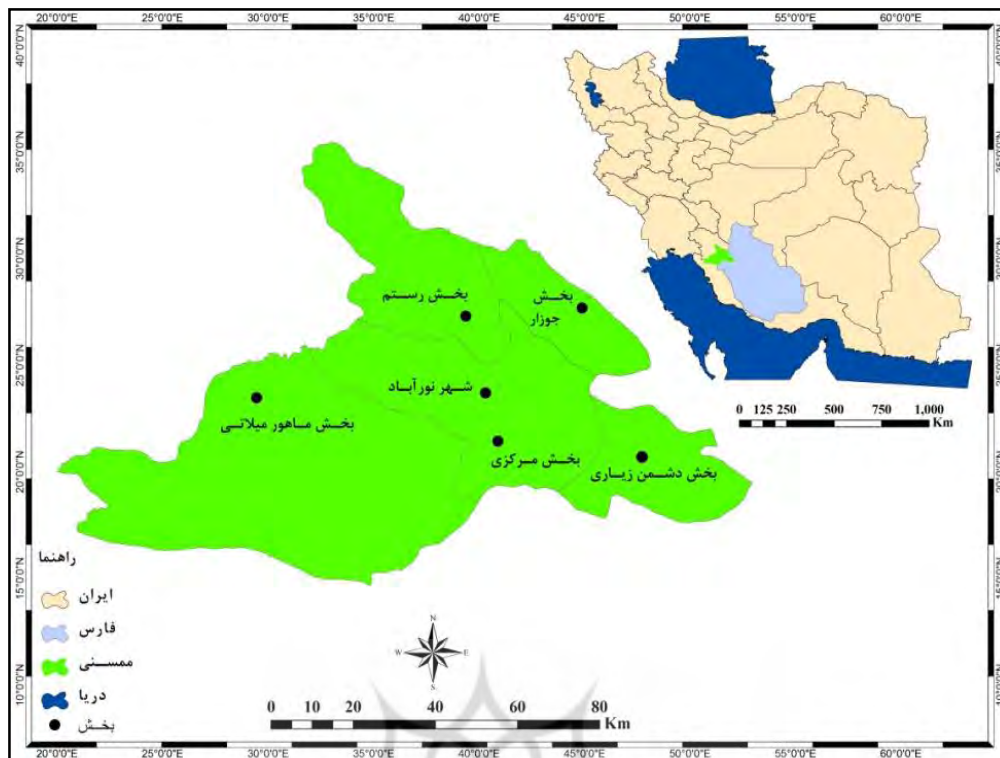
از مسلمی، ۱۳۷۶: ۴۸۱). یکی از بادهای محلی که از سمت کوهستان به دشت می‌وزد و عکس این مسیر را می‌پیماید باد قره در نورآباد ممسنی است که در امتداد رودخانه فهلیان می‌وزد.

فارس، سرزمین شعر و شراب^۱ است. سعدی و حافظ شیرازی و تاکستان‌ها و رزان پربار این دیار، طرح جادویی جذب برای گردشگرانی است که یکبار گام به این منطقه می‌نهند. در بین مناطق فارس، نورآباد، نیروی انسانی کلان‌شهر شیراز را تأمین می‌کند چراکه «شهر دانشجوست» و بیشترین میزان دانشجویان را در کشور دارد. بر اساس این معیار، نورآباد شایستگی پایتخت کتاب را در استان فارس می‌تواند داشته باشد و به این ترتیب، الگویی برای دیگر شهرهاست. نورآباد با هیچکدام از همسایگان خود، طرح همگرایی و برادر و خواهرخواندگی نریخته است چراکه همواره در درون بین نیروهای سیاسی، تنش وجود داشته است. هم باستانی است و هم مدنیت و سابقه شهری، از این روی آثار برجسته‌ای را در دامان خود پرورانده و به قلمرو ادبیات جهان پیشکش کرده است. کارکرد تجاری - دارویی فضاها، کوهستانی‌اش، کارکردی تولیدی - کشاورزی مناطق مرتفع، کارکرد رهایی - سرمستی مناطق باغی، در کنار کارکرد ترانزیتی و شهری شهر نورآباد، این خوان گسترده را «جغرافیای انرژی» کرده است. منابع انرژی درون فضای نورآباد گسترده است به طوری که در درجه نخست این انسان را تأمین روحی و معنوی می‌دهد و هم گردشگرپذیر است. کشف لیدوما چهارمین شهر سلسله هخامنشی و برخوردار از اقلیم چهارگانه از یکسو و چندفرهنگ‌گونگی جامعه از سوی دیگر، نورآباد فارس را سرزمین چهارفصل / سرزمین پرندگان و «استرالیای زاگرس» کرده است. آشنایی با این سرچشمه‌ها و بنیان‌های اصیل، بر آگاهی ما از هویت تاریخی و پیوستگی فرهنگی و ادبی خود و در نتیجه سهمی که در معنویت جهان انسانی داشته‌ایم، می‌افزاید و احساس جاودانگی را که آدمی در رویارویی با دشواری‌های زندگی سخت بدان نیازمند است، در عمق هستی ما بیدار می‌سازد.

فارس، مهد طبیعت بکر و گردشگری به شمار می‌رود، به طوری که جنگل‌های اصیل بلوط و کوهستان‌های سر به فلک کشیده بر جذابیت این استان افزوده و زمینه جذب گردشگر شده است. نورآباد، کهن‌الگوی شهری است که با وجود مدنیت، می‌توانست توسعه پیدا کند اما متاثر از حکمرانی ناکارآمد دولت‌های ملی و محلی در ایران و تحت الشعاع روندهای ژئوپلیتیک بیرون، نتوانسته با وجود نیروی انسانی ورزیده، در مقام یک زیست‌پذیر شهری توسعه‌مند ظاهر شود.

^۱. می عرفانی

تصویر ۳) موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی به مرکزیت شهر نورآباد



۵. یافته‌ها؛ مکان‌های با فضای رهایی و سورئال

مقدمه: خاک ممسنی در سمت شمال غربی کازرون واقع بوده و در کتاب آثار عجم به نام **شولستان** نیز ذکر شده است، پس از عبور از ویرانه‌های بیشاپور از طریق چنارشیبجان راه را ادامه می‌دهند و پس از طی در حدود پنجاه کیلومتر به قصبه **نورآباد** یا **مالکی** می‌رسند که مرکز عمده‌ی ممسنی محسوب می‌شود، در خاک ممسنی آثار تاریخی بسیار مهم و قدیمی است که به ذکر و معرفی هر یک می‌پردازیم (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۱۳۰).

۵-۱. غار بوف؛ جغرافیای سکوت

غار بوف در هفت کیلومتری شهر مصیری (مرکز شهرستان رستم) و در منطقه «یقه سنگر» است. مساحت این حفره ۷۷ متر مربع است که ۹۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا (در دشت رستم) دارد. غار بوف جزء مشهورترین محوطه‌های دوره انسان‌های نئاندرتال‌ها و انسان‌های هوشمند، در خاور نزدیک به شمار می‌رود. ابزارهای به دست آمده از کاوش‌ها در این غار، «سنت ابزارسازی رستمی» نام‌گذاری شده است. براساس پژوهش‌های مشترک ایران و آلمان در غار بوف (به سرپرستی محسن زیدی و پروفیسور نیکلاس گنارد از موسسه پیش از تاریخ و بوم‌شناسی کواترنر و مرکز پژوهش‌های تحول انسان و دیرین اقلیم زکنبرگ در دانشگاه توپینگن آلمان)، تعداد ۱۳ نمونه تاریخ‌نگاری به روش کربن ۱۴ در این غار مورد مطالعه قرار گرفت و نمونه‌ها برای تاریخ‌نگاری به آزمایشگاه سن سنجی دانشگاه کیل در آلمان و

آکسفورد در انگلستان ارسال شد. از میان نمونه‌های تاریخ‌نگاری شده، سه نمونه از بخش کاوش شده انتهای غار، تاریخی مربوط به مراحل آغازین پارینه‌سنگی جدید را نشان دادند. بر این بنیاد، قدمت این غار مربوط به ۳۵ تا ۴۱ هزار سال پیش است. باستان‌شناسان، صنعت به دست‌آمده از این غار را «صنعت رستمی» نامیدند. از این حیث، صنعت رستمی یکی از نوآورترین صنایع سنگی و فرهنگ پارینه‌سنگی جدید در ایران و یکی از قدیمی‌ترین آن در این دوره است (یوسفی، ۱۴۰۱: ۳۱۶-۳۱۵). این نوع پدیده ژئومورفولوژی برای آن دسته از افرادی که در حال فتح دنیای خویش هستند و نیاز به سکوت و غاردرمانی دارند منبع انرژی است.^۱ مطالعه این غار در زمینه بازسازی اقلیم، سیستم معیشتی، کوچ‌زیستی و محیط‌زیست ساکنان غار بوف اهمیت دارد.

تصویر ۴) غار بوف



^۱ یوالو (۱۷۱۱-۱۶۳۶) از بزرگترین شاعران کلاسیک فرانسه: ما همه مشتاق آرامش هستیم؛ اما باید این آرامش دلیزیر را فقط درون خویش جستجو کنیم. خیال می‌کنی اسکندر، با ویران کردن جهان، میان وحشت و آشوب و جنگ سراغ چه می‌گیرد؟ بیچاره اسیر ملالی جانکاه است که یارای تسلط بر آن را ندارد. لاجرم از آن که با خودش تنها بماند، می‌ترسد و راهی برای فرار از دست خویش جست‌وجو می‌کند. این است آن‌چه وی را به سوی آن سرزمین‌های زادگاه سپیده سحری می‌برد که در آن ایرانیان در فروغ اختر فروزانی که معبود ایشان است، می‌گدازند (از مجموعه مراسلات منظوم، ۱۹۲، یاحقی و فرزاد، ۱۳۸۶: ۱۹۲).

۲-۵. سنگ‌نگاره کورنگان؛ جغرافیای ادبی

سنگ‌نگاره (نقش برجسته) عیلامی کورنگان در مجاور روستای سه‌تلان در سال ۱۳۰۰ه.ش توسط «بارون افن هم» کشف شد و در سال ۱۳۰۳ه.ش توسط پروفیسور «ارنست هرتسفلد» مورد کاوش علمی باستان‌شناسی قرار گرفت. قدمت تاریخی این تصویرنگاشت به ۲۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح یعنی یک هزاره پیش از ورود آریایی‌ها به فلات ایران بر می‌گردد. این اثر در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۱۵ با شماره ثبت ۲۵۴ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. نقش برجسته کورنگان نمایش نیایش آب و مراسمی مذهبی است و در حدود یک کیلومتری کاخ جنجان و شهر باستانی لیدوما و در دل صخره بزرگی قرار دارد. در این نقش برجسته، ایزد ناشناخته عیلامی بر تختی که به مانند ماری چنبره زده، نشسته است و جامی در دست راست دارد که دو جریان آذرخش‌گونه یا آب از آن بیرون زده و هر یک به سمت دو فرد کنار او در حرکت است و وارد جامی می‌شود که در دستان آنهاست. در سمت چپ و در کنار ایزد، ایزدبانویی یا همسر وی بر تختی نشسته که دیگر قابل شناخت نیست، ولی به‌نظرمی‌رسد شبیه تخت ایزد بوده است. ایزدبانو تاج یا سرپوشی با دو شاخ بزرگ که تاج خدایان است، بر سر دارد و لباس و تن‌پوش وی بلندتر از ایزد است و تمام تن و پاهای وی را می‌پوشاند، دست‌هایش به سنت عیلامیان در مقابل سینه و شکم بر هم گذاشته شده است. پشت سر ایزدان، دو نفر با دو حالت دگرگون با لباسی بلند ایستاده‌اند که یکی در حال نیایش و دیگری جام را در دست دارد. آتشدان فروزان در مقابل ایزدان قرار گرفته و سه نفر با اندکی فاصله در مقابل آنان ایستاده‌اند که به‌نظر یکی با لباس بلندتر در میان و دو مرد در هر طرف وی باشند. فرد جلویی جام مقدس را در دست دارد که شراره آذرخش ایزد وارد آن می‌شود. از نظر والتر هینز، عیلام‌شناس و ایران‌شناس مشهور آلمانی نگهدارندگان جام شاه و برادران یا جانشینان وی هستند و این نقش برجسته ایزد آسمان، هومبان (Homban) و ایزد بانوی کنار وی، کیری‌ریشا/کیری‌ریشا (kiririsha) یا ایزد آسمان و مادر خدایان و همسر هومبان، آپارتی یا پارتی (aparti/parti) است. در کنار این نقش، نیایش‌کنندگانی در اطراف آن وجود دارند و ماهی‌هایی غوطه‌ور در آب، ملاحظه می‌شود (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۱۳۸). سنگ‌نگاره کورنگان ضمن کمک به پژوهشگران تاریخ می‌تواند گردشگران قابل توجهی را به سوی خود بکشد که این امر مستلزم توجه ویژه اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان رستم به این سنگ‌نگاره است.

تصویر ۵) سنگ‌نگاره کورنگان



۳-۵. لیدوما؛ هویت ملی ایرانیان

لیدوما پدیده‌ای تاریخی است که در مرحله‌ای معین، از تکامل فکری بشر، به وجود آمد. کالبدشکافی پیشینه تاریخی شهر لیدوما نشان می‌دهد هرتسفلد، باستان‌شناس و ایران‌شناس آلمانی نخستین بار این محوطه را در سال ۱۹۲۴م، بررسی و به نام جن‌جان به ثبت رساند. اورل اشتاین، باستان‌شناس مجارستانی در سال ۱۹۳۵م، از روستاهای این منطقه به نام جن‌جان یاد کرده است که اشاره به وجود دو پایه ستون در ویرانه‌های یک قلعه قدیمی دارد. در سال ۱۹۵۹م، هیئت باستان‌شناسی ایرانی و ژاپنی چند گمان آزمایشی در طی پنج روز در این محوطه حفر کردند که بعداً نتایج آن را دانشگاه توکیو به نام سروان منتشر نمود. یک هیئت مشترک باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی و دانشگاه سیدنی نخستین مرحله از پژوهش‌های مشترک خود را در سال‌ها ۱۳۸۳-۱۳۸۱ در این منطقه انجام داد. برمبنای دومین مرحله کاوش‌های باستان‌شناسی که در سال ۱۳۸۵ توسط یک گروه باستان‌شناسی به سرپرستی علیرضا عسکری چاوردی از ایران و پروفسور دانیل پاتس از دانشگاه سیدنی انجام شد، محل شهر لیدوما در مجاور روستای سروان (سورون) کشف شد. لیدوما از نظر ابعاد ساختمانی چهارمین بنای بزرگ هخامنشی پس از بناهای شوش، پاسارگاد و تخت جمشید (پارسه) است. این شهر که در کتیبه‌های تخت جمشید (پارسه) با عنوان لیدوما از آن نام برده شده یکی از بناهای مهم حکومتی زمان هخامنشیان است. در لیدوما، بقایای یک کاخ کوچک هخامنشی نیز یافت شده

که کاخ سروان (سورون) نام گرفته است. کالبدشکافی سایر ابعاد لیدوما به عنوان هویت ملی ایرانیان می تواند ضمن پاسخ به سؤالات و فرضیات پژوهشگران تاریخ، زمینه جذب توریست از اقصی نقاط ایران و جهان نیز شود. وجود این سازه تمدنی، باعث افزایش اعتماد به نفس در بین شهروندان نورآباد / ایرانیان و هنر روز قبل و نشان از قدمت و زرخیزی این دیار است.

تصویر ۶) سازه باستانی شهر لیدوما



پرونده گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالیفات جامع علوم انسانی

۵-۴. مادر و دختر (دی و دوور)؛ جغرافیای شخصی
 در شمال روستای مُراسخون علیا از توابع بخش سُورنای شهرستان رستم، اثر برجسته‌ای به نام گوردخمه‌ی مادر و دختر («دی دوور») در ارتفاع ۳۰۰ متری جنوب کوه عنا که شاید کوه آناهیتا فرشته آب در ایران باستان باشد، تعبیه و حجاری شده است. باستان‌شناسانی نظیر پروفیسور ارنست هرتسفلد آلمانی در سال ۱۳۰۳ ه.ش، دکتر سر آورل استین انگلیسی در سال ۱۳۱۴ ه.ش، رومان گریشمن فرانسوی در سال ۱۳۱۸ ه.ش، محمدتقی مصطفوی و علی سامی دو باستان‌شناس ایرانی از این اثر منحصر به فرد بازدید کرده و با ذکر مطالبی در تألیفات خود، قدمت این بنا را متعلق به سال‌های ۵۵۰ تا ۶۵۰ پیش از میلاد تخمین زده‌اند. این گوردخمه از سطح پهن و بلندی تشکیل شده است که قسمت پایین آن را به صورت صاف درآورده‌اند. این گوردخمه، سکویی به طول ۸۰٫۵ متر و عرض ۵ متر دارد که فاصله آن

تا پایین دخمه ۱۰۰ متر است. ورودی آن در قسمت وسط قرار دارد و هر جانب آن، دو ستون به ارتفاع ۳ متر و قطر ۷۵ سانتی متر است. اتاقک درون گوردخمه، طول ۵ متر، عرض ۴۵،۳ متر و ارتفاع ۲۶۰ سانتی متر دارد. بالای ستون‌ها نیز حاشیه صاف و مسطحی وجود داشته و بر فراز آن شکل کنگره‌های دنداندار هخامنشی بر سنگ کوه تراشیده‌اند. در صفحه بالای گوردخمه «دی و دوور» سوراخ‌هایی تعبیه شده است که احتمال دارد حجاران و طراحان با قلاب در وسیله‌هایی می‌نشستند و آویزان می‌شدند تا نقش‌های جلوی درب دخمه را طراحی و یا تعبیه نمایند. یک‌سری حجاری کنگره‌ای که عین آن در تخت جمشید موجود است، در نمای بیرونی این گوردخمه تعبیه شده که احتمال دارد سمبل این نقوش نمادی از عناصر اربعه و طبایع چهارگانه باشد، زیرا از هر طرف نقش به چهار قسمت تشکیل شده است. نمونه‌هایی از این نقوش کنگره‌ای در تمدن آشور و بین‌النهرین نیز مشاهده می‌شود و شاید این اسلوب را هخامنشیان از تمدن آشور و بین‌النهرین اقتباس کرده باشند. دو جوی باریک به عرض ۱۰ سانتی متر در حاشیه اتاق تحتانی تعبیه شده تا از تجمع آب درون دخمه جلوگیری شود. بر همین اصل جهت راندن آب از درون دخمه به بیرون پلکان ورودی و خروجی درب دخمه که قبلاً یکدست بوده از وسط بریده شده و به جوی باریک مبدل شده است. هنگام ساخت گوردخمه دو طبقه‌ای «دی و دوور»، اتاق تحتانی به اتاق فوقانی راه نداشت و از یکدیگر مجزا بودند، اما بنا به عللی در سال‌های بعد سقف اتاق تحتانی را سوراخ و حفره‌ای نامنظم به قطر ۵۰ سانتی متر تهیه کردند تا دو دخمه را به هم مرتبط سازند.

سرستون‌های این گوردخمه از هنر یونیک و سرستون‌های معابد یونانی تبعیت دارد و نقوش جلوی آن تلفیقی از هنر ایرانی و یونانی است. نمای بیرونی مقبره «دی و دوور» یادآور شاهان هخامنشی در نقش رستم و تخت جمشید است، اما برخلاف مقابر هخامنشی در تخت جمشید و نقش رستم که همگی تابوت سنگی آرایش شده دارند، این مقبره دو طبقه‌ای فاقد تابوت سنگی بوده و احتمال دارد به جای تابوت سنگی از تابوت‌های سر بسته چوبی استفاده کرده باشند. اگر این فرضیه به حقیقت بپیوندد، می‌توان از فرهنگی غیر از فرهنگ هخامنشی در منطقه پهناور رستم هنگام ساخت و تعبیه گوردخمه «دی و دوور» سخن به میان آورد. برخی محققین در خصوص مادی یا هخامنشی بودن این گوردخمه، اختلاف نظر دارند و تاکنون استدلال دقیقی در این خصوص ارائه نشده و این اثر همچنان در حاله‌ای از ابهام مادی یا هخامنشی و جز اینها بودن آن قرار دارد. این احتمال هم چندان بی‌پایه نیست و شاید این مقبره متعلق به خانواده هخامنش نیای هخامنشیان یا خانواده چیش پیش فرزند هخامنش و یا پادشاهان سلوکی بعد از اسکندر مقدونی باشد. برخی محققان، این گوردخمه را وابسته به آریوبرزن سردار دلیر هخامنشی می‌دانند که در دربند پارس با اسکندر مقدونی مقابله کرد، اما به عقیده برخی دیگر از مورخین محلی این گوردخمه سال‌ها قبل و یا بعد از مرگ آریوبرزن ساخته شده است (حبیبی فهلیانی، ۱۳۹۷: ۲۹-۳۱). این مایه هنر برای رسیدن او به حیاتی افسانه‌ای کافی بود.

تصویر ۷) اثر مادر و دختر



۵-۵. تل نورآباد؛ گنجینه نشاط

تل نورآباد با پهنای ۹ هکتار در شمال شهر نورآباد و با شماره ۱۲۷۳ در ۲۸ تیرماه ۱۳۵۵ ه.ش به ثبت ملی رسیده است. گرداگرد پشته، زمین‌های کشاورزی است. این تپه از لحاظ گنجایش (حجم)، جزء بزرگ‌ترین تپه استان فارس است و بیش از ۲۳ متر از پهنه زمین‌های پیرامون خود ارتفاع دارد. دیواره شمالی تپه، شیب تندی دارد و یک بریدگی نهرمانند در بدنه آن به چشم می‌خورد. دامنه جنوبی تپه به گونه‌ی دنباله‌ای به درون زمین‌های کشاورزی امتداد می‌یابد. آثار استقراری در این محوطه از هزاره هفتم تا هزاره یکم پیش از میلاد (از ۹ هزار سال پیش تا ۳ هزار سال پیش) تداوم دارد. با وجود نابودی گسترده بخش سطح این محوطه و یکنواخت / تسطیح کردن آن، در برش لایه نگاری بخش بلند تپه، ۵ مرحله استقرار از دوره هخامنشی و فراهخامنشی در آن شناسایی شده است. آوندهای (ظروف) سفالی لاله‌ای شکل، آوندها با لبه تخت و آوندهای شانه‌دار به رنگ سرخ مایل به نارنجی از مراحل استقراری ۵ ب و ۴ ب، به دست آمده است. این آوندها با سفال‌های دوره هخامنشی از پاسارگاد و پارسه (تخت جمشید) قابل سنجش هستند. در آوندهای سفالی کشف‌شده از مراحل استقراری ۳ ب، تداوم سنت‌های سفالگری دوره هخامنشی منطقه پارس همانند آوندهای شانه‌دار ساده و کوزه‌های گردن‌دار منقوش به طرح‌های هندسی موازی و ستونی (عمودی) وجود دارد

که این نمونه آوندها از محوطه پاسارگاد و «ملیان» برای دوره پس از هخامنشی شناخته شده است. از مراحل استقرار ۲ ب و ۱ ب، گونه‌های آوندهای لعاب‌دار فیروزه‌ای رنگ به دست آمده است که این‌گونه آوند با آوندهای کشف شده از دوره اشکانی در خوزستان همانندی دارد. اما با وجود نابودی گسترده آثار سطحی محوطه تل نورآباد، وجود ۳ متر آثار دوره هخامنشی و فراهخامنشی با پهنای کمابیش ۲ هکتار، اهمیت دارد. بررسی‌های مغناطیسی سنجی در بخش بلند این محوطه، نشان می‌دهد که سازه‌های معماری بزرگی در این محوطه وجود دارد و به‌همین‌انگیزه محوطه نورآباد در دوره هخامنشی و فراهخامنشی نقش سازنده‌ای در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه شمال باختر (شمال غربی) پارس (فارس) داشته است.

در مجموع، تپه‌های باستانی بدان‌جهت قدر و اهمیت دارند که با بررسی و کاوش‌های باستان‌شناختی، می‌توان به شرایط زیست و تاریخ اجتماعی و گاه سیاسی آن منطقه پی برد. همچنین با کاوش‌های علمی امروزی که به گونه گروهی / تیمی بوده، می‌توان به گاه‌نگاری دقیق آنها دست یافت و دوران گوناگون تاریخ پرفرازونشیب کشور را بررسی کرد. این تپه‌ها از منظر مطالعه فرهنگی و داده‌های باستان‌شناختی نیز اهمیت زیادی دارند و نگهداری و پاسداری از آنها ضروری دارد. باین‌همه، شماری از تپه‌ها و تلهای باستانی کشور، روزگار ناخوشایندی را سپری می‌کنند که غزل زیر (ه. الف، سایه) بی‌ارتباط با آن نیست!

در کوچه سارِ شب

درین سرای بی‌کسی کسی به در نمی‌زند / به دشت پرملال ما پرنده پر نمی‌زند
 یکی زشب گرفتگان چراغ بر نمی‌کند / کسی به کوچه سار شب در سحر نمی‌زند
 نشسته‌ام در انتظار این غبار بی‌سوار / دریغ کز شبی چنین سپیده سر نمی‌زند
 دل خراب من دگر خراب‌تر نمی‌شود / که خنجر غمت ازین خراب‌تر نمی‌زند
 گذرگهی است پُر ستم که اندرو به غیر غم / یکی صلای آشنا به رهگذر نمی‌زند
 چه چشم پاسخ است از این دریچه‌های بسته‌ات / برو که هیچ‌کس ندا به گوش کر نمی‌زند
 نه سایه دارم و نه بر بیفکنندم و سزاست / اگر نه بر درخت تر کسی تبر نمی‌زند^۲

^۱. خدا بکشوم

^۲. هوشنگ ابتهاج، تهران، دی ۱۳۳۷

تصویر ۸) تل نورآباد



منبع: پیج اینستاگرام تصویر ممسنی

۶-۵. برج نورآباد؛ سرزمین ازدهها و آتش

آتشکده دیمهٔ میل (میل ازدها، میل آزاد، برج نورآباد) در ۷ کیلومتری شهر نورآباد (در مجاور تنگ کله) متعلق به دوره اشکانیان است که در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۸ با شماره ثبت ۳۵۶ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۱۳۱). این بنای تاریخی یادآور کاخ فروپاشیده‌ی مداین و قصیده‌ی پردرد و عبرت‌انگیز خاقانی شروانی است که در وصف آن بنای پرسابقه سروده است:

هان ای دل عبرت‌بین، از دیده عبرکن هان

ایوان مداین را آینه‌ی عبرت دان

بلندای میل ازدها بیش از ۷ متر بوده و پهنای هر دیواره بنا در قسمت پایین حدود ۴ متر و در قسمت بالا حدود ۴۰/۳ متر ارزیابی می‌شود. بنای مذکور از سنگ‌های رگه سفید و با طول‌های متفاوت، بسیار منظم و دقیق ساخته شده که بیانگر مهارت اساتید معمار در آن زمان است. در داخل و قسمت فوقانی برج، پلکان‌هایی به بلندای ۱۰/۵ متر و پهنای ۵۹ سانتی‌متر تعبیه شده است. این قسمت از بنا در جهت جنوب و در ارتفاع ۳ متری واقع شده و به نظر می‌رسد در گذشته از طریق نردبان به این نقطه دسترسی می‌یافته و از آن بالا می‌رفته‌اند. در این آتشگاه، آتش مقدس نگهداری می‌شده و از آنجا به سایر نقاط انتقال می‌یافته است. یک آتشدان نیز در بلندای برج قرار داشته است. لویی واندربرگ،

باستان‌شناس مشهور معتقد است که این میل تنها متعلق به طبقه روحانیون بوده و فقط آنها می‌توانستند در آن به نیایش بپردازند و آتش را رویت نمایند. در دوران پهلوی دوم، میله‌ای از جنس فلز از میانه برج عبور داده شد تا از تخریب و فرسایش‌های بعدی جلوگیری کند. آتشکده میل اژدها را می‌توان از منظر نما با کعبه زرتشت و برج زندان پاسارگاد که به صورت چهار گوش ساخته شده‌اند، قابل قیاس دانست. کاربرد این گونه بناها را راهنمایی کاروانیان، اطلاع‌رسانی، دیده‌بانی، آتشکده و امثالهم ذکر نموده‌اند. این بنای تاریخی، منبع انرژی نور و روشنایی در این دیار است و در فصل بهار جلوه‌ای قومی و فرهنگی و پرمایه دارد که از هر جهت برجسته و هنری و قابل توجه و سزاوار احترام است.

تصویر ۹) آتشکده میل اژدها



۷-۵. دژ سپید؛ غرور آفرین قلعه فارس

دژ سپید از قلاع مشهور فارس در شمال شرق شهر نورآباد به نام‌های قلعه سفید و سپیددژ، سرگذشتی شگفت‌انگیز و شنیدنی دارد. این سازه مستحکم بر بالای کوهی واقع شده که دور دامنه آن حدود چهار فرسخ، ارتفاع آن حدود نیم فرسخ و از کوهستان اطرافش جداست. برخی مورخان، پیشینه تاریخی دژ سپید را دوره عیلامیان و برخی دیگر، عهد ساسانیان می‌دانند. هلاکو خان مغول و تیمور لنگ از جمله فرمانروایی بودند که به تخریب این دژ پرداختند. در مقیاس محلی، ولی خان بکش و باقرخان جاوید از این دژ به مثابه سپر دفاعی در برابر تهاجمات خارجی بهره بردند.

وجود برج‌ها و دروازه‌ها در دور تا دور این دژ نیز بیانگر کارویژه تدافعی آن بوده است. فردوسی در شاهنامه، لسترنج مستشرق انگلیسی، ابن بلخی در فارسنامه و سکندر امان‌اللهی بهاروند در کتاب قوم گر به رویدادهای دژسپید اشاره کرده‌اند.

«دژی بود کش خواندندی سپید / بر آن دژ بد ایرانیان را امید»

معروف است که قلعه مزبور دری از فولاد داشته و آن اکنون در امامزاده درب آهنین نصب است. دسترسی به بالای این دژ از طریق راه‌های سنگی یا کوره‌راه‌هایی که در تخته‌سنگ‌ها کنده شده‌اند، امکان‌پذیر است. چهار مسیر شناخته‌شده در شمال، جنوب، شرق و غرب برای دسترسی به دژسپید وجود دارد. مسیر جنوبی و شرقی پیاده‌رو هستند. راه جنوبی، سیاه‌شیر و راه شرقی، زرین‌کلاه نام دارد. راه غربی، شترخواب (شترخسب) سواره‌رو است و سهل‌ترین مسیر برای کوهنوردی است. راه شمالی، گلستان نامیده می‌شود و سواره‌رو است (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۱۳۵). رفتن به این دژ را می‌توان به داستان کتاب منطق‌الطیر قیاس کرد. گروهی از مرغان که برای جستن و یافتن سیمرغ – که پادشاه آن‌هاست – به راهنمایی همد به راه می‌افتند و در راه از هفت مرحله‌ی سهمگین می‌گذرند و در هر مرحله، گروهی از مرغان از راه باز می‌مانند و به بهانه‌هایی پا پس می‌کشند تا این‌که، پس از عبور از این مراحل هفت‌گانه – که بی‌شبهت به هفت‌خوان در داستان رستم و داستان اسفندیار نیست – سرانجام از گروه انبوه مرغان که در جستجوی «سیمرغ» هستند، تنها «سی مرغ» باقی می‌مانند و چون به خود می‌نگرند درمی‌یابند که آن‌چه بیرون از خود می‌جسته‌اند – سیمرغ – اینک در وجود خود آن‌هاست. منظور عطار از مرغان، سالکان راه و از «سی مرغ» مردان خداجویی است که پس از عبور از مراحل هفت‌گانه‌ی سلوک – یعنی طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا – سرانجام حقیقت را در وجود خویش کشف می‌کنند (یا حقی و فرزاد، ۱۳۸۶: ۱۵۴). بر فراز این قلعه، پهنه‌ای است که در آن، انسان، در مصاف با بدی‌ها و تباهی‌ها و نادانی‌ها و از آن بالاتر، در مصاف با خویشتن، سرفراز و پیروز از کار درمی‌آید و زمانی که اقلیم هستی را درنوردید و به گوهر انسانی خویش دست یافت، خود را هم‌چون جهان پهلوانی که برای دفاع از حیثیت و شرف و ناموس ابنای وطن خود جنگیده است، پیروز و سرفراز احساس می‌کند و شایستگی دریافت عنوان «کامل» را به دست می‌آورد (همان، ۱۶۱).

بانگِ نی

بشنو این نی چون شکایت می‌کند / از جدایی‌ها حکایت می‌کند
 کز نیستان تا مرا بُبریده‌اند / در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
 هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش
 من به هر جمعیتی نالان شدم / جفتِ بدحالان و خوش حالان شدم
 هر کسی از ظنّ خود شد یار من / وز درون من نجست اسرار من
 سرّ من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست
 آتش است این بانگِ نی و نیست باد / هر که این آتش ندارد، نیست باد
 نی حدیثِ راهِ پرخون می‌کند / قصّه‌های عشقِ مجنون می‌کند
 در غم ما روزها بی‌گاه شد / روزها با سوزها همراه شد
 روزها گر رفت گو برو، باک نیست / تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست
 در نیابد حالِ پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید، والسّلام

سطح بالای دژسپید، هموار و قابل کشت است و درگذشته جنگل‌های بسیاری شامل بلوط، انجیر، بادام کوهی، زیتون، انار و انگور در آن وجود داشته است. امروزه کارویژه ژئواستراتژیک دژسپید به ژئوتوریسم تغییر ماهیت داده است، به طوری که تیم‌های کوهنوردی گوناگونی از نقاط مختلف فارس به فتح این دژ می‌پردازند. وصف برآمدن یا فرو رفتن خورشید، به ویژه آن‌گاه که سینه‌ی آسمان را خون‌رنگ می‌کند و همچنین نمایش باغ و چمن و کوهسار و دشت در این مکان کم نیست. رفتن بر روی این قلعه برای افرادی که علاقه‌مند به دیدن چشم‌انداز جغرافیایی هستند می‌تواند لذت‌بخش باشد چراکه بسیار مرتفع است و همچنین منبع انرژی اکسیژن خالص و نور خورشید است. قلعه سفید حاوی این پیام است که انسان‌ها، فریفته‌ی ظاهر نشوند و از ورای لفظ و ظواهر امر، به حقیقت و معنی اشیا پی ببرند.

تصویر ۱۰) نمایی از قلعه سفید در فصل بهار



عکاس؛ نویسندگان، فروردین ۱۴۰۳

۸-۵. سرآب بهرام؛ جغرافیای بورژوازی

روستای سرآب بهرام در ۵ کیلومتری شهر نورآباد، نام خود را از سرآب (چشمه) بزرگ و نقش برجسته مجاور آن گرفته است. نقش برجسته سرآب بهرام متعلق به دوره ساسانیان در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۱۵ ه.ش با شماره ثبت ۲۷۸ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. در این نقش برجسته که ۳٫۸۵ متر عرض و ۲٫۹۰ متر ارتفاع دارد، بهرام دوم، پنجمین پادشاه ساسانی (۲۹۳-۲۷۶ م) در میان چهار نفر از صاحب منصبان دولتی به تصویر کشیده شده است. بهرام دوم دستانش را به نشانه توانمندی، نیرومندی، اقتدار و قدرت با هر دو دست بر روی غلاف شمشیرش گذاشته و در وسط و مقداری جلوتر از سایرین بر روی تخت نشسته است. انتساب این نقش برجسته به بهرام دوم، به دلیل شکل تاج منحصر به فرد این پادشاه است؛ چراکه در زمان ساسانیان هر پادشاه، تاج یا تاج‌های ویژه خود را داشته است. در دو سوی پادشاه، از هر سو دو تن از بزرگان ایستاده‌اند که انگشت اشاره دست خود را به نشانه بزرگداشت و احترام به پادشاه، بالا نگه داشته‌اند. این چهار نفر عبارت‌اند از: موبد موبدان (رهبر مذهبی)، ایران اسپهبد (سپهسالار)، بزرگ فرماندار (صدراعظم) و هوتر خشان بد (رئیس تجار و اصناف). برای نخستین بار «اردمن» این چهار

نگاره را چهار مقام بلندپایه از دولت ساسانی دانسته و آنان را فَرَنشین (رئیس) روحانیان، سپاه‌سالار، دیوان‌سالار و استریوشان‌سالار که نمادی از چهار گروه (طبقه) اجتماعی ساسانی هستند، نامید. پس از آن، «هرتسفلد»، نگاره نخست از سمت چپ را بهرام سوم، جانشین (ولیعهد) پادشاه دانست، اما «لوکونین» با دیدگاه وی مخالف است و آن را «کرتیر»، موبد بزرگ ساسانی می‌داند، دیدگاهی که «هیتس» و «هرمان» نیز از آن پیروی کرده‌اند. این دیدگاه باتوجه‌به دیگر نگاره‌های کرتیر که در آنها «قیچی» نماد او آورده شده، مطابقت دارد. چهره بدون ریش وی نشان دیگری بر این ادعا است. اگرچه در سال ۱۴۰۱ تیمی از مرمت‌گران و کارشناسان گروه حفاظت و مرمت پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید ترمیم اضطراری قسمتی از آبچک‌های کتیبه اصلی نقش برجسته سرآب بهرام را انجام دادند، اما این اثر نیازمند تبلیغات و اقدام لازم از سوی اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان ممسنی است تا همانند آثار تاریخی دیگر شهرستان‌های همجوار (نظیر بیشاپور و غارشاپور ساسانی در شهرستان کازرون) به جذب توریست بپردازد. قلمروداران نورآباد و کازرون با عقد یادداشت تفاهم «خواهرخواندگی» میان سراب بهرام و غارشاپور، زمینه رشد گردشگری را فراهم می‌کنند.

تصویر (۱۱) نقش برجسته سرآب بهرام



۹-۵. موزه نورآباد؛ مکان، ناحیه و فرهنگ

موزه باستان‌شناسی و تاریخ هنر ممسنی، احیا و برانگیختن دوباره‌ی تمدن است که در زمینی به مساحت ۳۰۰۰ مترمربع و با زیربنای ۲۰۰۰ مترمربع با استانداردهای روز موزه با اعتباری بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان از اعتبارات استانی و شهرستانی احداث شده است. این موزه در سال ۱۴۰۰ افتتاح شد، و چهل و پنجمین موزه استان فارس است که آثار متعدد مربوط به دوره‌های پیش از تاریخ شامل سفالینه‌های مختلف، آثار فلزی به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی و آثار دوران اسلامی را در خود جای داده است. این موزه همچنین شامل قسمت‌های مختلف گنجینه، سالن‌های آموزشی، کارگاهی، نگارخانه و مردم‌شناسی است. تبلیغات رسانه‌ای و عقد یادداشت تفاهم «خواهرخواندگی» میان موزه باستان‌شناسی و تاریخ هنر ممسنی با موزه رئیسعلی دلواری تنگستان بوشهر، زمینه بازدید گردشگران از این موزه می‌شود.

تصویر ۱۲) موزه باستان‌شناسی و تاریخ هنر ممسنی



۵-۱۰. بوان؛ آفرینش هنری

دره بوان یکی از بهشت‌های چهارگانه جهان (غوطه در دمشق، نهر ابله در بصره، سغد در سمرقند و دره بوان در ممسنی) است که مالمال از آبشار و چشمه‌سارهای گوارا در فصول مختلف سال است. فرشته‌ای هبوط کرده بود که بهشت را به یاد داشت^۱ و شیوه‌ای از وصول به حقیقت و رسیدن به حق براساس پارسایی و پاک‌دامنی و دوری از آلاینده‌های مادی و پرهیز از دنیاداری؛ به گونه‌ای که شخص گردشگر بتواند درون خود را برای تابش انوار الهی صاف کند و بی‌واسطه به مقام قرب حق نایل آید. حوزه آبخیز وسیع و منطقه جنگلی پرباران بالادست بوان، موجب آب شیرین و گوارای این منطقه شده است. آبشار و چشمه‌های جوشانی در این منطقه جاری هستند، به طوری که در طول سال به ویژه در فصل بهار از روی اغلب دیواره‌های صخره‌ای، آبشارهای زیبا و خروشان سرازیر می‌شوند. از چشمه‌های معروف این منطقه می‌توان مَمبَلو و بزرگترین آبشار آن، پولکی اشاره کرد. دره بوان پوشیده از درختان جنگلی و تنومند با عمری طولانی است که از جمله آنها می‌توان به انار، گردو و انجیر نام برد. برخی از درختان گردو تا شعاع ۱۰ الی ۱۵ متری از ورود نور آفتاب به زیر درختان جلوگیری می‌کنند. باغ‌های گردو و انار این منطقه افزون‌بر زیبایی چشم‌نواز و آرامش‌بخش برای ساکنین و مسافران، سالانه مقادیر قابل توجهی محصولات باغی تولید می‌کنند. اختلاف درجه حرارت بوان با شهر نورآباد در روزهای گرم تابستان، گاه به بیش از ۱۰ درجه سانتیگراد می‌رسد و دمای آن به طور متوسط ۱۰ درجه از نورآباد پایین‌تر است. درحالی که این منطقه از دیرباز محل بیلاق طوایف ممسنی بوده و به دامداری می‌پرداخته‌اند، امروزه، تفرجگاه بوان در بهار و تابستان میزبان گردشگران کثیری از استان‌های فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان است. دسترسی مسافران از مسیر بوان به شهر شیراز نیز مزید بر علت شده و بر اهمیت توریستی و تفریحی این منطقه افزوده است. با وجود این، تخصیص فضای اسکان مناسب برای جذب گردشگر ضرورت اساسی دارد. این فضای سرسبز برای آن دسته از گردشگرانی که انار و گردو و سایه‌ی پر بار و خنک دوست دارند مناسب و منبع انرژی است. عقد یادداشت تفاهم «خواهرخواندگی» میان بوان و شابیر کوه‌چنار، گردشگری را بالنده‌تر می‌کند.

۱. ادگار آلن پو (۱۸۰۹-۱۸۴۹) آمریکایی، سرآینده‌ی اشعار نمادین و رمانتیک و نویسنده‌ی خیال‌پرداز و جنایی‌نویس و منتقدی برجسته؛ نخستین مجموعه‌ی اشعار او با نام تیمور لنگ در سال ۱۸۲۷ منتشر شد. مشهورترین شعر پو کلاغ نام دارد که بیانگر اندوه شاعر در مرگ زنی زیباست. داستان‌های کوتاه او عموماً پلیسی، وحشتناک و غیرمترقبه است. بودلر می‌گوید: پو، فرشته‌ای هبوط کرده بود که بهشت را به یاد داشت (یاحقی و فرزاد، ۱۳۸۶: ۲۳۲).

تصویر ۱۳) بهشت گمشده بوان



۵-۱۱. هریرز؛ جغرافیای زیبایی شناختی

تفرجگاه تفریحی / توریستی هریرز (هررز) در بخش مرکزی شهرستان ممسنی و ۱۵ کیلومتری شهر نورآباد، یکی از آثار برتر فارس و شاید برترین آنهاست که اولاً طبایع همهی نفوس را در همهی دوره‌ها سیراب و سرشار می‌کند و درثانی آهنگ و سازواری خاصی در قلمرو زیبایی در ذهن و ذوق گردشگر می‌نشانند و او را در برابر قدرت شگرف و مهارت بی‌چون و چرای خود به تسلیم و تواضع وا می‌دارد. از هررز، هم رایحه‌ی گل و گیاه به مشام می‌رسد، هم نشانه‌های آراستگی و مدهوشی خود را نشان می‌دهد اما درهرحال، دنیای هریرز دنیای مستقلی است که تنها تنگ سا می‌تواند در عرصه‌ی زیبایی و بی‌همتایی با وی رقابت کند. والایی و کمال هنری این منطقه، فضا را برای حافظ‌خوانی فراهم می‌کند:

دل می رود ز دستم

دل می رود ز دستم صاحب دلان، خدا را / دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا
 کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز / باشد که باز بینیم دیدار آشنا را
 ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون / نیکی به جای یاران، فرصت شمار یارا
 ای صاحب کرامت، شکرانه‌ی سلامت / روزی تفقدی کن درویش بینوا را
 آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است: / با دوستان مروّت، با دشمنان مدارا
 هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی / کاین کیمیای هستی قارون کند گذارا
 سرکش مشو گه چون شمع از غیرت بسوزد / دلبر که در کف او موم است سنگ خارا
 آیینی سکندر جام می است بنگر / تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
 خوبان پارسی گو، بخشنندگان عمرند / ساقی بده بشارت رندان پارسا را
 حافظ به خود نپوشید این خرقه‌ی می آلود / ای شیخ پاکدامن، معذوردار ما را^۱

سفره آب جاری و جنگل‌های بکر بلوط، دو عنصر زیربنایی هرایز هستند که آن را به قلب تپنده ژئوتوریسم ممسنی تبدیل کرده‌اند. سر آب رود (سر او رو) به عنوان سرچشمه آبی این منطقه با تشکیل رودخانه کتی (دروغ زن) نقش مهمی در آبیاری اراضی سکونتگاه‌های پایین دست در دهستان‌های بکش یک و دو ایفاء می‌کند. پل خدا/مهرآفرین در چشمه و آبشار زیبای «زرنو» بر جذابیت این جاذبه عامه‌پسند افزوده است. تنگه هرایز از دیگر مناطق زیبا و محبوب گردشگران محسوب می‌شود که سرشار از درختان بلوط، بادام و گیاهانی نظیر خاکشیر و بنه با خواص دارویی است. وجود «چشمه توتیک»، «بند آبخیزداری»، «آسیاب»، «سراب باغ» و از این دست از دیگر جاذبه‌های گردشگری هرایز به شمار می‌روند که دل‌ربای هر توریستی است. وقوع زلزله در سال ۱۳۶۵ ه.ش منجر به تخریب منازل این سکونتگاه شد، اما سنگ قبور تاریخی مربوط به قرون اول و دوم ه.ق و حرم منتسب به امامزاده علی به عنوان دیگر جاذبه‌های گردشگری مذهبی این منطقه مشهود هستند (بهنام، ۱۳۹۲: ۲۶۰). در مجموع، تفرجگاه بکر هرایز با ضعف زیرساخت‌های گردشگری (جاده خاکی، فقدان سرویس بهداشتی و سطل‌های زباله، نبود امکانات رفاهی و مانند اینها) مواجه است که مانعی مهم در برابر جذب توریست، اشتغال و درآمدزایی ساکنان است.

^۱ . دیوان حافظ، به تصحیح محمد قزوینی

تصویر ۱۴) منطقه توریستی هرایرز



۱۲-۵. دشت اله کرمی؛ مفهوم لایه زندگی

دشت اله کرمی جایی است سرسبز و خرم با گل‌ها و شقایق‌ها که در نقطه صفر مرزی شهرستان ممسنی (مجاور روستای گلگون) و کوهچنار قرار دارد. این دشت پهناور دربرگیرنده سه دشت یک، دو و سه است که مملو از جنگل‌های متراکم بلوط است. کوه رعنا قامت «پیره» تفکیک‌کننده این دشت از منطقه تفریحی دوتو چونگان است، به طوری که فتح قلّه این کوه مورد توجه کوهنوردان است. از این رو، درهم آمیختگی رُخساره دشت اله کرمی و کوه پیره زمینه توجه ویژه گردشگران به این منطقه شده است، و علاوه بر ممسنی‌ها، گردشگران سایر شهرستان‌های همجوار نیز بخشی از اوقات فراغت خود را در این دشت سپری می‌کنند. برپایی چادرهای سنتی در روزهای منتهی به «۱۳» به «در» را می‌توان به مثابه اوج پلی شدن (play) انسان ممسنی در این دشت قلمداد کرد که انبوه جمعیت از بلوط‌های بی‌نظیر در دامان طبیعت، انرژی مثبت دریافت می‌کنند. با وجود این، دشت اله کرمی از فقدان زیرساخت‌های لازم (جاده خاکی، فقدان سرویس بهداشتی و سطل‌های زباله و نبود هیچگونه مراکز رفاهی در ورودی این دشت) رنج می‌برد. ضمن آنکه نبود سفره‌های آب جاری در این دشت از یکسو و قطع درختان تنومند بلوط جهت تهیه هیزم و زغال از

سوی گردشگران و برخی سودجویان از جمله چالش‌های گردشگری این دشت به‌شمار می‌روند. چنین فضای جغرافیایی برای آن دست افرادی که تمایل به پیاده‌روی و ارتباط با درختان دارند، منبع انرژی محسوب می‌شود. نام این فضای گردشگری بی‌ارتباط با این ابیات نظامی گنجوی (فرمانروای قلمرو داستان‌سرایی) از مخزن‌الاسرار نیست:

دردستانی و درماندهی

عمر به خشنودی دل‌ها گذار / تا ز تو خشنود شود کردگار

دردستانی کن و درماندهی / تات رسانند به فرماندهی

گرم شو از مهر و ز کین سرد باش / چون مه و خورشید جوانمرد باش

هر که به نیکی عمل آغاز کرد / نیکی او روی بدو باز کرد

گنبد گردنده ز روی قیاس / هست به نیکی و بدی حق‌شناس

تصویر ۱۵) دشت اله‌کرمی



۱۳-۵. دوتو جونگان؛ دیدنی ترین چشم انداز جغرافیایی

دوتو جونگان در آخرین نقطه ضلع جنوبی بخش مرکزی شهرستان ممسنی یکی از دیدنی ترین چشم اندازهای جغرافیایی طبیعت پایه به شمار می رود که سکوت آرامش بخش خود را از تپه ماهورها و طنین دل نواز خود را از سفره های آب روان به ارث برده است. «کوه پیره»، «چشمه بال کوگ» و «جنگل های بلوط» اضلاع سه گانه دوتو جونگان را شکل داده اند و از آن منطقه ای رویایی ساخته اند. حد فاصل سکونت گاه سور جونگان تا کوه پیره را می توان اقلیم خوش آب و هوا نامید که در فصول مختلف به ویژه بهار میزبان انسان ممسنی است. شور و سرمستی در دامان طبیعت، برپایی چادر، پخت نان محلی (شلشلی)، آش محلی (دوا، کنگر، باقلا، کارده و جز اینها) و فتح قلّه کوه پیره در سرحدات مرزی دوتو جونگان و دشت اله کرمی توسط کوهنوردان از جمله تحرکات گردشگران (به ویژه عید نوروز و ۱۳ به در) در این منطقه محسوب می شود. آن روی دیگر سکه، مداخله انسان در طبیعت است که سیمای دتو را دگرگون و جنبه تفریحی / توریستی آن را در معرض بدفرمی می تواند قرار دهد. تخصیص بخش عظیمی از اراضی این منطقه به پتروشیمی نافرجام ممسنی و قطع درختان تنومند بلوط برای تهیه زغال از جمله حکمرانی نسنجیده است در حالی که گونه های جانوری متنوع طی دهه های گذشته در این منطقه به وفور یافت می شد، ولی در نتیجه دخل و تصرف همه جانبه انسان در محیط به شکل شکار پرندگان و گونه های جانوری، چنین گونه هایی روبه افول گذاشته که امروزه برخی انجمن های مردم نهاد با ساخت آبشخور به بازگشت این گونه ها امید بسته اند. اضافه بر این، شماری از درختان و گیاهان این منطقه در معرض نابودی ناشی از مخاطرات طبیعی (بارش کم، آفات و غیره) و انسانی (قطع درختان، رهایی زباله در طبیعت و امثالهم) قرار دارند. اگرچه پروژه احیای جنگل دوتو جونگان به مساحت ۳۰۰ هکتار (کاشت حدود ۳ هزار نهال از سال ۱۴۰۰ تا کنون) با مشارکت جامعه محلی و با سرمایه گذاری شرکت های پیشرو در صنعت ایران در راستای برنامه های آبخیزداری و منابع طبیعی استان فارس جهت بهبود وضعیت آبخوان ها و سفره های آب زیرزمینی انجام گرفت، اما این منطقه همچنان از ضعف زیرساخت (جاده خاکی، نبود سرویس بهداشتی، مراکز رفاهی و غیره) رنج می برد که مستلزم توجه ادارات میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، منابع طبیعی و آبخیزداری، محیط زیست و همچنین گروه های مردم نهاد حامی طبیعت زاگرس است.

تصویر ۱۶) دوتو جونگان



۱۴-۵. تالاب هفت برم؛ آگاهی‌های اکولوژیک

تالاب هفت برم دشمن‌زیاری نورآباد در ۵۵ کیلومتری غرب شیراز و شمال شرقی منطقه حفاظت شده بخش ارژن و پریشان به عروس منطقه شهرت دارد. این تالاب از ۴ تالاب دائمی و ۳ تالاب فصلی تشکیل شده و مساحت آبیگرهای دائمی آن نزدیک به ۲۰ هکتار است. این زیست‌بوم به دلیل مشتمل بودن شرایط مناسب زیستگاهی و عوامل اکولوژیک مساعد نظیر پوشش گیاهی و آب شیرین، از مناطق جذب و تجمع پرندگان آبی مهاجر است. ازدسته آبیان این تالاب می‌توان به دو گونه فراوان ماهی سوف و کپور اشاره کرد. اطراف این تالاب با پوشش گیاهی همچون نی‌زارها، علف حصیری، جگن، کارا، لویی و علف هفت‌بند پوشیده شده که سبب چشم‌انداز زیبای آن شده است. در جنگل هفت برم انواع درخت بادام کوهی، کیالک (کلک) و ارژن را می‌توان مشاهده کرد. دشت اطراف این تالاب آکنده از گیاهان معطر و گل‌های مطبوع است. وجود تپه‌ماهورها بر زیبایی هرچه بیشتر منطقه هفت برم افزوده است. ضمن آنکه وجود برخی اقامتگاه‌های بوم‌گردی همراه با غذاهای سنتی در اطراف این تالاب جذب گردشگر را فراهم کرده است. نزدیکی تالاب هفت برم به برخی جاذبه‌های گردشگری نظیر پارک ملی بمو، تنگ تیزاب، تنگ غوره‌دان، منطقه حفاظت شده دشت ارژن، منطقه حفاظت شده ماله گاله، آرامگاه حافظ و شاهچراغ در شهر شیراز و از این قبیل مزید بر علت شده و توریست‌پذیری این منطقه را افزایش داده است. آب تالاب هفت برم از ریزش‌های جوی و

چشمه‌های پیرامونی تأمین می‌شود. آب‌وهوای این اکوسیستم در فصل تابستان، معتدل و در زمستان، سرد و خشک است. تنوع چشم‌اندازها و آب‌وهوای مطبوع آن سبب شده در بیشتر مواقع سال با وجود کمبود امکانات رفاهی و خدماتی، جمعیت بسیاری در این مکان حضور یابند. به دلیل دخل و تصرفات انجام شده توسط اهالی و تبدیل اراضی مرتعی حاشیه آبگیرها، منطقه دچار فرسایش خاک شده که رسوبات وارده سبب تغییر شرایط اکولوژیک در این اکوسیستم‌ها شده و بر کاهش سطح آبی این منابع تأثیر گذاشته‌اند. طی یک دهه اخیر رشد باغ‌ها و حلقه‌های چاه بدون مجوز، انسداد آبراه‌های منتهی به این آبگیرها، عدم ورود آب چشمه دائم بالادست، برداشت شبانه و غیرمجاز آب توسط تانکرهای آب‌رسان به باغات، کاهش بارندگی، برداشت بی‌رویه از نی‌های سیلاب‌گیر آبگیرها سبب خشکی تدریجی آبگیرهای یک و دو آن شده است. وضعیت آبگیر سوم نامساعد است. هر چند ایوبی، فرماندار سابق نورآباد فارس با انتشار پستی در صفحه رسمی اینستاگرام خود خبر از تشکیل طرح حفاظت از تالاب هفت برم در سال ۱۳۹۷ داده بود، ولی حفر چاه‌های آب شرب در بالادست هفت برم، جاذبه گردشگری این منطقه را با چالش مواجه ساخته است. این چاه‌ها، آب شهر خان‌زنیان و چند روستا از بخش ارژن و بخش دشمن‌زیاری را تأمین می‌کنند، اما پس از حفر چاه‌های مزبور، آب چشمه دائمی تیرمردان نیز کاهش چشمگیری یافت. در مجموع، نقش عامل انسانی از جمله حفر چاه، شکار پرندگان آبی و ساخت باغ در اطراف تالاب هفت برم می‌تواند معضلات محیط‌زیستی به همراه داشته باشد. از این رو توجه کارگزاران فارس (شهرستان‌های ممسنی (بخش دشمن‌زیاری) و شیراز (بخش ارژن)) به مسائل زیست‌محیطی این تالاب و فعالیت گروه‌های حامی محیط‌زیست (نظیر انجمن میراث زاگرس، انجمن یاران بلوط و جز اینها)، می‌تواند منجر به بهبود وضعیت ژئوتوریستی این تالاب شود. چنین مناطقی برای آن دسته از گردشگرانی که با دیدن آب، انرژی می‌گیرند خوشایند است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

تصویر ۱۷) تالاب هفت برم



۱۵-۵. تالاب برم شور؛ جبر محیطی

تالاب برم شور در موقعیت جغرافیایی N300509 E505935 در استان فارس و شهرستان ممسنی واقع است. به دلیل اینکه آب این تالاب از کوه‌های گچی جمع می‌شود، به آن برم شور یا دریاچه شور می‌گویند. این تالاب در ۳۵ کیلومتری بابامنیر در حوزه ماهور میلانی قرار دارد. آب این تالاب تلخ و شور مزه و طول آن برابر ۱۰۰۰ متر و عرض آن ۵۰۰ متر است. این دریاچه از نظر پوشش جانوری همانند دریاچه مورزرد است. وسعت آن ۳۰ هکتار و عمق آن در بعضی نقاط تا ۲۰ متر می‌رسد. این آبگیر کوچک با آبی نسبتاً شور و بدمزه در منطقه‌ای خشک قرار گرفته است. ماهیان بیگهد رهاسازی شده در این تالاب رشد خوبی داشته و ماهی کپور علف‌خوار (آمور) در آن یافت می‌شود. اخیراً یک تعاونی به عنوان اکوتوریست در آن فعالیت دارد که ظاهراً دستاورد چندانی نداشته است (پایگاه خبری - تحلیلی سیری در ایران، ۱۳۹۷). انجمن حامیان طبیعت زاگرس ممسنی در این تالاب برنامه‌های متنوعی به مناسبت روز جهانی تالاب برگزار کرده است. پاکسازی اطراف تالاب از زباله، مهم‌ترین برنامه‌کاری این انجمن بوده و بیش از ۲۰ کیسه زباله از ساحل تالاب جمع‌آوری شده است. کاشت ۵ اصله نهال کنار، بیش از ۵۰۰ دانه بذر بادام کوهی و قلمه‌زنی درخت گز از دیگر اقداماتی بوده که با مشارکت تمام افراد به‌ویژه کودکان به انجام رسیده است. در حاشیه

برنامه روز دوستی با طبیعت، بازی‌های سنتی و شعرخوانی به گویش لری، پخت نان و غذاهای محلی و دانه‌ریزی برای پرندگان تالاب برگزار شده و مورد استقبال حضار قرار گرفته است (شبکه اطلاع‌رسانی دانا، ۱۳۹۴). این تالاب برای افرادی که ترکیب آسمان، پرندگان و پرواز را دوست دارند منبع انرژی‌ست، ضمن اینکه پوشش گیاهی و کارکرد زیستی آن از شدت سیل می‌کاهد. در مجموع این عامل، می‌تواند نقش قابل‌توجهی در جذب گردشگر و توسعه اقتصادی ماهور میلانی داشته باشد.

تصویر ۱۸) تالاب برم‌شور



۱۶-۵. تالاب سرآب سیاه؛ سرزمین جانوران

به گزارش رسانه تاریخ ممسنی، تالاب سرآب سیاه یا سرآسیاب در ۲۸ کیلومتری شهر مصیری یکی از شگفت‌انگیزترین جاذبه‌های گردشگری شهرستان رستم به‌شمار می‌رود که در رابطه با وجه تسمیه آن برخی به رنگ سیاه این آب و برخی به آسیاب مجاور این تالاب استناد می‌کنند. این تالاب از ویژگی‌های منحصر به فردی نظیر قابلیت قایقرانی، ماهیگیری و شنا، آبدهی بسیار بالا (یکی از مهمترین منابع آبی رودخانه تنگ شیو)، تنوع زیستی قابل توجه از نظر پوشش گیاهی (گیاهان داری خواص دارویی مانند پونه، بابونه، گل گاوزبان، مورد و جز اینها)، جانوری (روباه، جوجه تیغی، سمور، کفتار و امثالهم)، پرندگان (نظیر مرغابی وحشی، بلبل، لک‌لک، گنجشگ، کبوتر وحشی، مرغ ماهی‌خوار،

قباسوزک و مانند اینها) و آبزیان (ماهی کپور، وحشی، ماهیان مولد رودخانه‌های شیو و زهره) برخوردار است. وجود درختان و نی‌زارهای انبوه، نظاره تالاب و مناظر شگفت‌انگیز از بالای کوه‌های اطراف این تالاب، قابلیت کوهنوردی در این کوهستان، نزدیکی به امامزاده سیدنورالدین، تپه‌های تاریخی با قدمت حدود هفت‌هزار سال در دو سوی چشمه‌سار سرآب سیاه (همانند تپه‌های سه‌تلان و ملاشمشیری)، نزدیکی به گورستان تاریخی سرآب سیاه (دارای قبور قدیمی با نقش و طرح‌های متنوع) از دیگر ویژگی‌های این تالاب است که می‌تواند گردشگران زیادی را به خود جذب نماید. شهر باستانی «یوناری» (متعلق به دوره هخامنشیان که تا دوره ساسانی نیز رونق داشته است) در زیر تالاب سرآب سیاه و «سنگ‌نگاره» مربوط به دوره ساسانیان در حاشیه این تالاب از دیگر جاذبه‌های گردشگری تاریخی این منطقه است که بیانگر قدمت دیرینه آن است. با وجود این، تالاب سرآب سیاه نیازمند زیرساخت‌ها و امکانات لازم (نظیر پارکینگ برای گردشگران، درختکاری در مسیر تالاب، ساخت آلاچیق در بلندی‌ها و کوهپایه اطراف این تالاب، ساخت سکو، سرویس بهداشتی و آسفالت مسیر منتهی به تالاب) است.

تصویر ۱۹) تالاب سرآب سیاه



۱۷-۵. بی‌بی‌حنا؛ ماهیت معنوی جغرافیا

بی‌بی‌حنا از نوادگان امام موسی کاظم (ع) یکی از مناطق گردشگری مذهبی ممسنی در ۶۰ کیلومتری شهر نورآباد و مجاورت شهر بابامیر (مرکز بخش ماهور میلانی) قرار دارد. بی‌بی‌حنا در عیدنوروز بیش از سایر فصول میزبان اقصی نقاط نورآباد فارس و حتی سایر شهرستان‌ها و استان‌ها است که بیان حالات یک مسلمان دل‌خسته و پای‌آبله از راه دراز است. ماهیت معنوی / زیارتی جغرافیای این امامزاده در دره‌ای زیبا و چشم‌نواز، جنگلی پوشیده از درختان بادام، بلوط و بنه، نقش بسزایی در تهذیب دل‌های گردشگران دارد به‌طوری‌که انسان نومید و مصیبت‌زده را به این دنیای برتر فرا می‌خواند و در برابر حوادث و رنج‌های زمانه به او دلگرمی و امید می‌بخشد. در این مکان در فصل بهار، بیش از هر مکان و دوره‌ای، با انسان شفاف و صافی ضمیر که دل را برای قبول تجلی نور حق آماده کرده است، روبه‌رو می‌شویم. بی‌بی‌حنا هم زیارتگاهی / مذهبی است و هم پدیده‌ای طبیعی. جنگلی است ملامال از علایم و اشارات. حقیقت از چشم مردم عادی پنهان است و تنها گردشگران پرفرکانس با قدرت ادراکی که دارند به‌وسیله تفسیر و تعبیر این علایم می‌تواند آن را احساس کنند. عوالم جداگانه‌ای که بر حواس ما تأثیر می‌گذارند با هم ارتباطات دقیق دارند که گردشگر باید آنها را کشف کند. تلفیق این دو عنصر با یکدیگر کارکرد توریستی خاص خلق کرده است. آویختن بندهایی به گردن درختان اطراف این امامزاده در گذشته جهت برآورده شدن حاجات، گویای عقاید سنتی و شاید خرافات برخی گردشگران است. دل‌سپاری به قضا و قدر و گسترش روح تسلیم و بی‌توجهی به دنیا را تا حد زیادی می‌توان از پیامدهای گردشگری در این منطقه دانست. همچنین این فضا، درهم‌آمیخته با عواطف انسانی و بی‌نیازی و آزادگی، با یادآوری ارزش وجودی انسان، او را به سوی کمال و سرنهادهن بر آستان حق دعوت می‌کند. در یک دهه اخیر اقداماتی در رابطه با زیرساخت (آب، برق، لوله‌کشی و جز اینها) این فضای گردشگری صورت گرفته است به‌طوری‌که ساماندهی زیرساخت جاده‌ای آن موجب افزایش گردشگر و به‌تبع آن افزایش درآمد افراد بومی می‌شود. عقد یادداشت تفاهم «خواهرخواندگی» میان بی‌بی‌حنا و ممسنی با بی‌بی‌حکیمه‌ی گچساران، موجب جلب توجه گردشگران به این سازه‌های معنوی گردشگری پذیر می‌شود.

تصویر (۲۰) بی بی حنا



۱۸-۵. کوه بزبان؛ آفریننده معنا و مضمون

لندفرم بزبان یا بزون در ۷ کیلومتری جنوب شرق شهر بابامنیر و مرز میان دهستان‌های ماهور و میشان بخش ماهور میلانی است. این واحد جغرافیایی، بلندترین زمین‌چهره ماهور میلانی تا کرانه خلیج فارس محسوب می‌شود که حدود ۵۰ درصد از وسعت منطقه بر فراز آن قابل مشاهده است. وجود درختان بلوط در دامنه این کوه بر زیبایی‌های آن افزوده و دل‌ربای گردشگران می‌شود. آبشار بابامنیر، پدیده‌ای هیدرولوژیک کوه بزون است که از فراز دیواره‌ای عمودی به پایین می‌ریزد. این تندآب همراه با درختان زیبا و سرسبز اطراف خود، فضای با بسامد بالایی را خلق کرده است به طوری که در پایین آبشار یک بانگ‌چاله طبیعی ایجاد شده که تا چندین روز آب را به سمت دره‌های پایین‌تر جاری می‌سازد. پرواز پرندگان بر فراز این آبشار، پرواز روح و راهی به رهایی‌ست. این اکوسیستم از هر لحاظ منبع انرژی برای گردشگران می‌تواند باشد.

تصویر (۲۱) کوه بزبان



۱۹-۵. تنگ‌سا؛ عالی‌ترین فرم هنر جغرافیا

فرم‌شناسی واژه‌ای تنگ‌سا شاید به دلیل نرسیدن آفتاب به درون این بدنه جغرافیایی باشد. تنگ‌سا شاید، ولی دیگر فضاهای گردشگری، هرگز نمی‌توانست تپش روح بی‌آرام و باطن حقیقت‌جوی گردشگران را با آنچه در اطرافش جریان داشت، فرو بنشانند. تنگه در موقعیت جغرافیایی E513956 N300806 در ۱۶ کیلومتری شهر نورآباد و دهستان جاوید ماهوری واقع است. این موقعیت، در مدار فرکانس بالا که سبک جغرافیایی‌اش با درون‌مایه‌اش هماهنگی تام دارد. فضای آنجا سرد، اما روشن و بیدارکننده است و گردشگر را یک‌دم به حال خود رها نمی‌کند و بدین‌وسیله، اسرار خلقت و حکمت وجود را اثبات و بیان می‌کند. فضای جغرافیایی تنگ‌سا در چنین زمانه‌ی پرآشوب و تنگ‌نظری که انسان در همه‌چیز شک می‌کند، درخور برای خواندن و شنیدن ترانه‌های فلسفی خیام است (رباعی ۱۳۳ خیام).

می نوش که عمر جاودانه این است

خود حاصلت از دور جوانی این است،

هنگام گل و مل است و یاران سرمست

خوش باش دمی، که زندگانی این است

ارتفاع تقریبی آبشار تنگ‌سا حدود ۱۵ متر و متشکل از چندین خوشه است. «آب»، «کوه» و «پوشش گیاهی»، عناصر سه‌گانه تنگ‌سا است که عالی‌ترین فرم هنر جغرافیا را در خود جای داده است. آبشار دُم اسبی، برکه‌های زیبا، درختان جادوین بلوط، کوه‌های سربه‌فلک‌کشیده و دره‌های ژرف و بی‌کران، سوزِ دل و فضایی سوررئالیسم خلق کرده است که گویی نقاشی شده است. طنین دل‌نشین آب در سکوت و پرواز پرندگان و هواپیما بین دو فضای تنگه در آسمان، این مکان را میدان خیال‌اندیشی‌های بدیع و جغرافیای رهایی کرده است، چنانچه آهنگ رحیل از دل نگرانی‌ها را سروده و به‌سوی تن‌آرامی سوق می‌دهد.

افزون‌براین، تنگ‌سا به‌واسطه خصلت جغرافیایی که دارد مورد امعان‌نظر کوهنوردان است و همه ساله تیم‌های کوهنوردی از تمامی مناطق استان فارس آن را پیموده و ضمن آنکه از جاذبه تفریحی / ورزشی آن بهره برده، در عضله‌سازی جغرافیای بدن شهروندان و گردشگران مؤثر واقع شده است. در بین اهالی، افسانه‌هایی شگفت‌آور درمورد آبشار تنگ‌سا بازگو شده که از دیرباز آن را منبع برکت و نعمت می‌دانسته‌اند. مورخین محلی، قلعه ککا در ۶ کیلومتری تنگ‌سا را از قلاع اسماعیلیه می‌دانند که قدمت آن به قرن ۶ هجری می‌رسد. در مجموع، وجود دژسپید در مسیر تنگ‌سا باعث شده تا تصویر این منطقه، ویژه‌ال باشد و از دیگر عوامل مؤثر در بازدید گردشگران از این گذرگاه به‌شمار رود، اما فقدان خدمات رفاهی مانعی در برابر جذب بیشتر توریست محسوب می‌شود که نیازمند توجه ویژه اولیای امور به این منطقه سوررئال است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر ۲۲) نمایی بهاری از تنگ‌سا



عکاس؛ نویسندگان، فروردین ۱۴۰۳

۲۰-۵. تنگ خاص؛ خداوندگار قلمرو گردشگری و شاهنامه‌خوانی

دورافتادگی تنگ خاص آن را تبدیل به جغرافیای سکوت کرده است. سلطنت سکوت و چشمانی که به افق دوخته شده است. تنگ خاص، سرچشمه طبیعت‌گرایی نورآباد فارس است. مهد این حرکت تازه، این فضا است که همه چهره‌ها را با حالت‌های روانی آنان بر تن جغرافیایی - کوهستانی خود ترسیم کرده است. در آثارش مواهب زندگی این‌دنیایی، حالتی خردگرایانه و با دقت و ظرافت، رازآلود و ستوده شده است. حوزه‌ی طلایی ثروت و اندیشه که با داشتن بزرگان و نوابغی چون ملاسلطان، گل‌ایاس احمدی، محمدجان صادقی، رمضان صادقی، عباس احمدی، شاه‌مراد احمدی، ملاکلبعلی و ملاگرگعلی (تاریخ‌نویس)، رحیمعلی (آزاداندیش) و آریوبرزن و دیگران، می‌توان آن را «روح رنسانس» نامید. محور فکری بزرگان این دیار، خرد بود و تکیه بر دانش و فضیلت؛ گویی بنیان‌های خردمندی و خردگرایی که از فرهنگ استوار ایران قبل از اسلام باز مانده بود، بار دیگر در چارچوب فرهنگ معاصر آزموده می‌شد. در رابطه با این فکت فضایی، می‌توان به این گزاره تاریخی اشاره داشت که تعدادی از بزرگان و ریش‌سفیدان که در منزل خلیل‌خان جاوید حضور داشتند ناگهان خبر می‌آید فرزند خان، که قصد رفتن به اروپا برای تحصیل و

دانش‌اندوزی را داشت، کالج مورد پذیرش واقع شده است. در این حین یکی از افراد حاضر در جلسه، به خان می‌گوید؛ شما به جای فرستادن فرزندتان به اروپا برای تحصیل بهتر است ایشان را نزد سلطان، کدخدای آگاه و آینده‌نگر روحانی بفرستید تا علاوه بر آموزش صحیح، روشنگر و اخلاق و رفتار اجتماعی را بیاموزد. بنابراین به دلیل همین ویژگی و درک درستی روحانی‌ها که از مقتضیات اجتماعی، فرهنگی و ادبی عصر خویش داشتند، این فضای جغرافیایی از گذشته تا کنون به این نقل قول (آگاهی و دوراندیشی روحانی) شناخته می‌شود.

ملاگرگلی صادقی، شاهنامه‌خوان، تنها مورخی امین و بلندپایه نیست، بلکه نویسنده‌ای توانا و چیره‌دست نیز است. از وی تاکنون دو کتاب با عنوان دشتی پر از نون و تشتی پر از خون (شیراز: کوشامهر، ۱۳۷۷) و جغرافیای سیاسی اجتماعی ممسنی (شیراز: فریاد کویر، ۱۳۸۵) منتشر شده است. این نویسنده، هیچگاه دامنه‌های تنگ خاص را رها نکرد و تا کنون در روستای بلندو زندگی می‌کند.

رحیم‌علی صادقی، حسین بادپا و گرهان احمدی سه تن از بزرگان این دیار بودند که برای اولین بار به شهر نورآباد پای گذاشتند. از بین اینها، رحیم‌علی صادقی در پرتو اندیشه‌ی تیز و نیک‌اندیشی و پاکدلی توانست با شهود و درون‌بینی بر بسیاری از حقایق دست یابد و رازهای بسیاری را بگشاید و فلسفه‌ی نوینی را که بیش‌تر، از تفکر ایرانی و باستانی مایه می‌گرفت، بنیان‌گذارد. وی بدان پایه نام‌آور بود که علاوه بر در فضیلت قناعت، در فواید خاموشی، در تأثیر تربیت و در آداب صحبت، برخوردار از دانش و فضل، سیاستمدار و اهل تدبیر نیز بود. وی تاریخ‌دان، پارسی‌دان، آزاداندیش و فلسفه و جهان‌بینی مستقل داشت و به امور حکومت و آیین مملکت‌داری علاقه‌ی خاصی داشت به طوری که به همه‌ی امور پنهانی و زدوبندهایی که میان قدرتمندان در جریان بوده، سر درآورده است. حدود سی سال نظام حاکم بر ژئوپلیتیک بین‌الملل را تجزیه و تحلیل و به رفتار سیاسی قدرت‌ها معرفت و ناظر بسیاری از وقایع چون جنگ‌های جهانی و فروپاشی ابرقدرت شوروی و از این دست بود. اصول کشورداری را متکی بر دموکراسی و گردشگری و موسیقی و طبیعت‌گردی می‌دانست.^۱

تنگ خاص از لحاظ جغرافیایی به دو قسمت شمالی و جنوبی بین دو رشته کوه قرار گرفته و رودخانه بزرگ آب شور فهلیان از میان این تنگه می‌گذرد و آن را به دو قسمت برافتاب (رو به آفتاب) و نسه (پشت به آفتاب) تقسیم کرده است. رشته کوه شمالی از کوه بزرگ نودان (تیدان) شروع و تا نزدیکی روستای راشک و دره تهر (تلخ‌آب) روحانی (رودخانه‌ی) امتداد دارد و رشته کوه جنوبی از دژسپید ممسنی شروع و به روستای گورک دشمن‌زیاری منتهی می‌شود. تنگ آنا یا آناهیتا (ایزد آب) یکی جاذبه‌های دیدنی درون تنگ خاص است. وجود «کمر پادشاه» و «کمر زُلدون» در این منطقه بر جذابیت‌های تاریخی این منطقه افزوده است. هر چند فرضیات مختلفی

^۱ از رحیم‌علی و شهرناز صادقی، ۵ فرزند پسر و سه دختر پا به هستی گذاشته است که ارنواز، ارژنگ و راضیه، دبیر/ فرهنگی هستند، جاوید و فرهنگ مهندس و نخبگان فنی به شمار می‌روند، مجید پرستار و سوپروایزر بیمارستان، ساناز که حسابداری و حقوق خوانده و در نهایت وحید که نویسنده و استاد دانشگاه است.

درخصوص محل نبرد آریوبرزن و اسکندر مقدونی وجود دارد، اما برخی مورخین محلی این گذرگاه را محل مقاومت آریوبرزن در مقابل اسکندر مقدونی قلمداد می‌کنند. بُلندو، دیپون، ده‌پیر (بردخران)، صحرای بید، رزک، پزنگان، دهنو (نسَهی)، بلوط‌جهانه، جمالی، گچی، دَرَه تَهَر، گوسنگون، دره‌مارو، از جمله سیزده سکونت‌گاه روستایی و کوهستانی این حوزه جغرافیایی است. موقعیت جغرافیایی این زیستگاه، موجب شده تا طبیعت، بکر و دست‌نخورده بماند، به‌همین خاطر برخی معتقدند این فضا می‌تواند فضایی برای «حیات وحش» باشد تا گونه‌های نادر و کمیاب پایدار بمانند. شرایط کوهستانی و سخت این منطقه، و ضعف توسعه زیرساختی طی چهار دهه تا کنون، فضای سکوت و دور از هیاهوی زندگی شهری را خلق کرده است به‌همین خاطر این منطقه برای آن دسته از افرادی که خسته از زندگی ماشینی و آلودگی و شلوغی هستند منبع انرژی محسوب می‌شود چراکه جغرافیای ریلکسیشن است. این مکان، آزمایشگاه تشریح مزاج افراد جامعه است و تصویرگر طبقات زحمت‌کش و افشاگر بی‌عدالتی پنهان در همه سطوح جامعه است. در مجموع، تنگ خاص به مثابه عقبه ژئوتوریستی نورآباد فارس، فضایی حماسی با درون‌مایه‌ی مناسب برای شاهنامه‌خوانی است و از این که جهان و شکوه جهان، گذران است و آدمی باید در این سرای سپنجی، دلیر و بخشاینده و فداکار و راستگو و راست‌کردار و نیکودل باشد، داد سخن می‌دهد.

بیا تا جهان را به بد نسپریم / به کوشش همه دست نیکی بریم

نباشد همی نیک و بد پایدار / همان به که نیکی بُود یادگار

همان گنج و دینار و کاخ / نخواهد بُدن مر تو را سودمند

فریدون فرخ فرشته نبود / ز مشک و ز عنبر فرشته نبود

به داد و دهش یافت آن نیکویی / تو داد و دهش کن، فریدون تویی^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

^۱. شاهنامه فردوسی

تصویر ۲۳) تنگ خاص



منبع: پیچ اینستاگرام تنگ خاص

۲۱-۵. تنگ گجستان؛ استراتژیک‌ترین تنگه فارس

تنگ گجستان در پشت‌کوه شهرستان رستم و حد فاصل بین روستای پهون جلیل و روستای امیریوب در ۵۰ کیلومتری شهر مصیری سرشار از چشمه‌سارها، رودخانه باصفا و تفرجگاهی دل‌نشین برای گردشگرانی که علاقمند به جستجوی زمان از دست رفته هستند می‌باشد. به لحاظ آب‌وهوایی، این تنگه سردسیر است و بارش برف و باران در زمستان بر طراوت آن می‌افزاید. درختان سرسبز گردو، انگور، انار، بلوط، بنه و چشمه‌های آب گوارا، این منطقه را برای گردشگرانی که رخنه به فراسوی واقعیت و جستجوی جهانی آرمانی و درهم‌آمیختن حال و گذشته هستند مطلوب کرده است. دره‌های عمیق، کوه‌های بلند و استوار زاگرس جنوبی که این تنگه را احاطه کرده‌اند، بسیار نیرومند، روان، زنده و پرتپش است. از دیگر مناظر چشم‌نواز این تنگه، رویش درختان ستر سبیدار در کنار رود خروشان است. در نزدیکی چشمه‌سارها نیز روستایی با تلفیق معماری سنتی و جدید پذیرای گردشگران است. در مجموع تنگ گجستان را می‌توان جغرافیای گردشگری طبیعت‌پایه و تاریخی (نبرد نیروهای محلی به رهبری گردی انصاری با دولت مرکزی در سال ۱۳۴۱-۱۳۴۲ ه.ش) نامید. پیشنهاد می‌شود اولیای امور با تقویت امکانات زیرساختی / رفاهی و عقد یادداشت

تفاهم «خواهرخواندگی» میان تنگه گجستان رستم و تنگه تامرادی یاسوج زمینه گسترش گردشگری، اشتغال و درآمدزایی از این تنگه‌ها را فراهم نمایند.

تصویر (۲۴) تنگه گجستان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲۲-۵. آبشار پای طوف؛ مفهوم علت و معلول در جغرافیا

آبشار خوش منظر پای طوف در حدود ۴۵ کیلومتری شمال غربی شهر مصیری و مجاور روستای سالاری واقع شده است. این آبشار با ۷۵ متر ارتفاع، دومین آبشار فارس است که ذهن را وابسته به طبیعت می‌داند و نه مقدم بر آن و مشحون از لذت‌گرایی و طبیعت‌گرایی و ناتورالیسم امیل زولا است. پلکانی بودن آبشار پای طوف زمینه توجه عکاسان و هنرمندان طبیعت شده، به طوری که ثبت خاطرات با عکس‌های ماندگار در کنار این آبشار صخره‌ای مورد عنایت گردشگران قرار داشته و ترکیب پدیده‌های طبیعت پایه نظیر جنگل، کوه و سکونتگاه‌های سنتی انسانی، سیمای توصیف مفصل فضای صحنه‌هاست. در مجموع، حدفاصل روستاهای کناره تا ناری‌پت را می‌توان «جغرافیای بکر بلوط و آبشار» و «اقلیم خوش آب‌وهوا» نامید که در توصیف می‌کوشد تا گردشگران را به طبیعت نزدیک کند و زیبایی‌های آن را با قدرت خیال نشان دهد.

کعبه‌ی مخفی

ای آبشار، نوحه‌گرا از بهر چیستی؟ / چین بر جبین فکنده ز اندوه کیستی؟
 دردت چه درد بود که چون من تمام شب / سر را به سنگ می‌زدی و می‌گریستی؟
 از قضا آینه‌ی چینی شکست / خوب شد اسباب خودبینی شکست
 عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌گشود اول چراغ خانه را
 آن‌چه ما کردیم با خود هیچ نابینا نکرد / در میان خانه گم کردیم صاحب‌خانه را
 برو طواف دلی کن که کعبه‌ی مخفی است / که آن خلیلی بنا کرد و این خدا خود ساخت
 شمعیم و خوانده‌ایم خط سرنوشت خویش / ما را برای سوز و گداز آفریده‌اند
 پروانه نیستم که به یک شعله جان دهم / شمعم که جان گدازم و دودی نیاورم
 بلبل از گل بگذرد چون در چمن بیند مرا / بت‌پرستی کی کند گر برهمن بیند مرا
 در سخن مخفی شدم مانند بو در برگ گل / هر که خواهد دیدنم گو در سخن بیند مرا^۱

تصویر ۲۵) آبشار پای طوف



^۱. زیب‌النسا متخلص به مخفی (۱۱۱۳-۱۰۴۸) از زنان شاعران هند است (داودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

۲۳-۵. آبشار علیشاهی؛ نمونه تپیک گردشگری

روستای علیشاهی در فاصله ۴۵ کیلومتری شهر نورآباد در بخش جوزار ممسنی واقع است. دسترسی به این ریزشگاه نیازمند ورود به تنگه علیشاهی و دره‌ای با شیب تند است. این آبشار یکی از بلندترین و درعین حال زیباترین آبشارهای فارس به‌شمار می‌رود که طنین آب از لابه‌لای جویبارهای این منطقه نقش مهمی در تزریق انرژی به گردشگران دارد و توریست‌های قابل توجهی را به سمت خود کشانده است. آب‌وهوای مطلوب این روستا مزید بر علت شده و معمولاً خاطره‌ای خوش را برای گردشگران رقم می‌زند. ثبت خاطرات و عکاسی در کنار این آبشار از دیگر اقدامات گردشگران به‌شمار می‌رود. علیشاهی علاوه بر این آبشار، تالاب‌دار جاذبه‌های گردشگری زیادی نظیر تنگ بهکون، تنگ سراب و آبشار بهکون است که فضای مخصوص گردشگری‌اش، افشای ریاکاری و بیدادگری‌های پنهان و آشکار اجتماعی است و ابتدال حاکم بر جوامع را برملا می‌سازد. با وجود این، آبشار علیشاهی عرصه‌ی گشاده‌ای است برای میدان‌داری عاطفه و خلق آثار بلند و ملکوتی که جهان پهلوانش، گردشگرانی صافی‌ضمیر و پارسی‌گوی است که از مصاف با زندان دورن پیروز و سربلند بازگشته است. توجه ویژه به ایجاد زیرساخت‌ها و خدمات‌رسانی لازم است تا بتوان زمینه‌ی اشتغال محلی و درآمدزایی برای ساکنان را فراهم نمود.

تصویر ۲۶) آبشار عالیشاهی

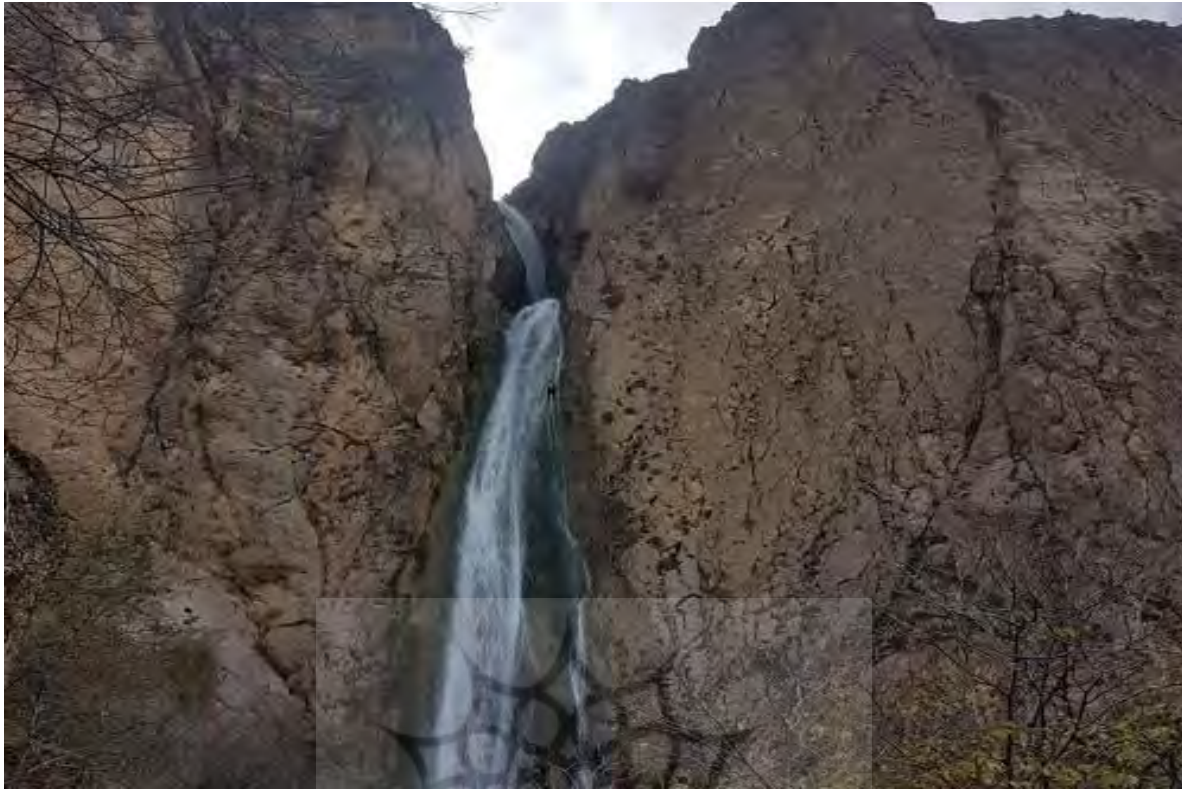


۲۴-۵. آبشار پاقلعه؛ فضایی برای مدیتیشن

آبشار پاقلعه در بخش دشمن‌زیاری ممسنی، با مختصات جغرافیایی ۵۲ درجه و ۱ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه عرض شمالی، در فاصله ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی نورآباد (ممسنی) و ۷۵ کیلومتری شمال غربی شیراز، در شرق رشته کوه‌های زاگرس بر روی شیب نسبتاً تندی واقع شده است. این آبشار با بیش از ۱۰۰ متر ارتفاع یکی از زیباترین و بلندترین آبشارهای فارس به‌شمار می‌رود که آب آن از دو دهنه چشمه پرآب به نام خطیری و رضایی تأمین می‌شود. که پس از عبور از باغ‌ها و دره‌های باصفا، با فاصله اندکی در پایین‌دست روستا از دیواره‌های صخره‌ای سراریز می‌شود. در بالای آبشار و در اطراف روستای پاقلعه، تپه‌های باستانی متعددی از دوره‌های مختلف تاریخی به‌جا مانده‌اند که قدمت طولانی سکونت انسان در این ناحیه را نشان می‌دهند. آب این چشمه در گذشته موجب گردش سنگ آسیاب آبی بوده که آثار آن هنوز در نزدیکی چشمه به‌جا مانده است. طنین این آبشار خروشان که از ارتفاع بلندی سرازیر می‌شود، فضای پیرامون آن را فرا می‌گیرد. خروش شکوهمند آبشار و طبیعت بکر پیرامون آن همراه با منظره دشت‌های پر از شقایق سردسیری، شب‌بوهای وحشی و لاله‌های واژگون، گردشگران را از بند امور مادی و محسوس می‌رهاند. به‌علاوه، چمن‌زارها و مراتع طبیعی تپه‌های شرق روستای پاقلعه، چشم‌اندازهای عجیب و مرموزی دارد که گردشگران را درمقابل غم و اندوه روزگار، دل قوی و فکری توانا می‌سازد و در هر فرصتی آدمی را به بردباری و دلداری آنان در موقع آسیب روزگار و تشویق افکار مثبت فرا می‌خواند. عبور رودخانه شش‌پیر از تنگه مجاور روستای پاقلعه توأم با پوشش انواع درختان جنگلی زاگرس نیز سیمای این منطقه را پریچهر و برای گردشگران، گذشت روزگار و همه مظاهر آن پند است و هشدار.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر ۲۷) آبشار پاقلعه



۲۵-۵. دالان (دالون)؛ همزیستی مسالمت‌آمیز و نفرت از جنگ

دالون در بخش مرکزی نورآباد و در جوار منطقه اسکان عشایر، قابل دسترس‌ترین فضای جغرافیایی برای گردشگری است. موقعیت جغرافیایی مناسب دالان در مجاورت شهر نورآباد باعث شده تا خوش‌گذرانی و کامرانی و نوش‌خواری با سرشت او عجین شود و برای بهره‌وری از لذت‌ها و کامجویی‌های زندگی استفاده شود. پرشمار بودن درختان بلوط و بادام، نزدیکی به شهر، و نزدیکی به جاده که امنیت‌آفرین شده، زمینه را برای بیشترین تراکم جمعیت در تعطیلات نوروزی به‌ویژه ۱۳ به‌در شده است. این منطقه را می‌توان سرزمین بلوط و چادر نامید چراکه وجود امنیت و دسترسی مناسب باعث شده تا گردشگران نورآبادی و دیگر نقاط، چندین روز از عید و فصل بهار را در این منطقه به طور جمعی سپری و تا عصر روز طبیعت در آنجا از واقعیت به تخیل پناه ببرند. حضور چشمگیر و متنوع طوایف و تیره‌های مختلف ممسنی در طبیعت دشت وسیع دالان بیانگر بافت موزائیک گردشگری این منطقه است که همزیستی مسالمت‌آمیز و مراودات اجتماعی ممسنی‌ها با یکدیگر و نفرت از جنگ را به‌منصه‌ی ظهور کشانده است. حضور افراد و گردشگران گوناگون نورآبادی و سایر نقاط نشان از سیرت و صورت متفاوت در کنار هم دارد:

سیرت و صورت

بس بگردید و بگردد روزگار / دل به دنیا در نیندد هوشیار
 ای که دستت می‌رسد کاری بکن / پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
 این که در شهنامه‌ها آورده‌اند / رستم و رویینه‌تن اسفندیار
 تا بدانند این خداوند مُلک / کز بسی خلق است دنیا یادگار
 نام نیکو گر بماند ز آدمی / به کزو ماند سرای زرنگار
 سال دیگر را که می‌داند حیات؟ / یا کجا رفت آن که با ما بود یار؟
 صورت زیبای ظاهر هیچ نیست / ای برادر سیرت زیبا بیار
 آدمی را عقل باید در بدن / ورنه جان در کالبد دارد حمار
 چون زبردستیت بخشد آسمان / زبردستان را همیشه نیک دار^۱

با وجود این، تفرجگاه دالان نیازمند توجه اولیای امور به منظور تخصیص امکانات رفاهی به آن از یکسو و رعایت فرهنگ گردشگری از طرف شهروندان (منع قطع درختان و آتش‌افروزی برای تهیه هیزم، خودداری از پاکسازی زباله در دامان طبیعت و قطع سرشاخه درختان، نهی از تیراندازی و جلوگیری از رفت‌وآمدهای پرخطر و شلوغ و ..) از سوی دیگر است. عکس زیر کوششی است برای نشان دادن فضای پر از جنگل و خوش آب‌وهوای دالون. همانطور که در تصویر مشاهده می‌شود، به‌ازای هر یک درخت تناور بلوط، یک خانوار به همراه فرزندان و اقوام در کنار هم قرار می‌گیرند و به‌طور معمول، موسیقی با ابزارهای صوتی ولوم بالا، و آتش برای چای و به‌خصوص کباب سریعاً آماده می‌شود. پیش‌از این موارد، برپا کردن چادر، اولویت دارد و در پایان روز طبیعت، مادران و دختران به سبک‌وسایق نیاکان خود به گره‌زدن سبزه برای بخت‌گشایی و برآورده شدن آرزوها در سال جدید و حصول به اهداف مشغول می‌شوند و همین‌طور مردان خانواده با تیراندازی به آسمان، پایان عیدنوروز و شروع سال جدید را فرخنده نوید می‌دهند.

^۱ از قصاید سعدی علیه‌الرحمه

تصویر ۲۸) نمایی بهاری از منطقه دالون

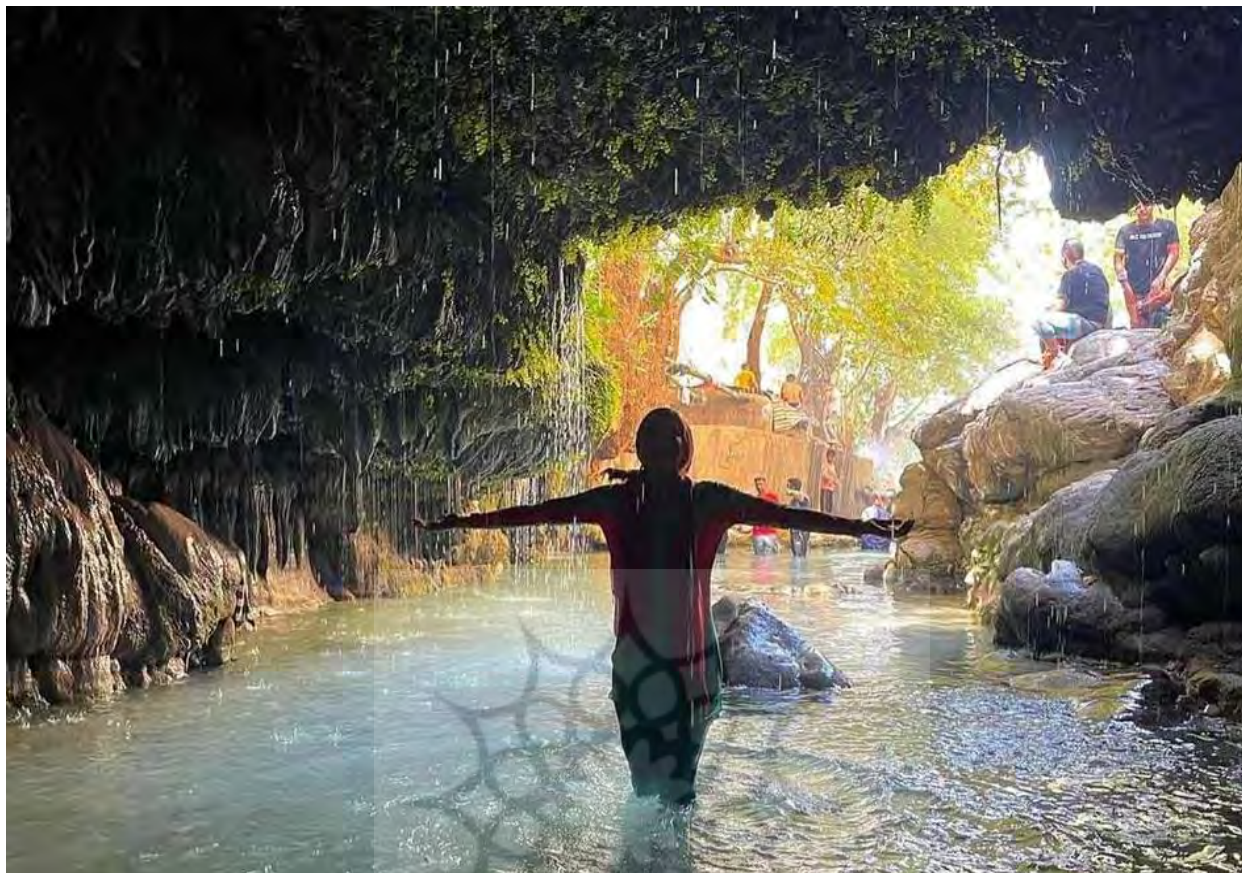


عکاس؛ نویسندگان، چادر ارژنگ صادقی فروردین ۱۴۰۳

۲۶-۵. ده گردو؛ سرزمین عسل و گردو

روستای ده گردو در بخش دشمن‌زیاری نورآباد ممسنی از غار بسیار زیبایی برخوردار است که آن را به یکی از جاذبه‌های گردشگری در سطح استان فارس تبدیل کرده است. این غار آبی در دره‌ای انباشته از درختان گردو و بلوط واقع شده و در اطراف آن نیز باغ‌های سیب به چشم می‌خورد. در مسیر رودخانه ده گردو، آبشار کوچکی قرار دارد. این رودخانه از داخل غار عبور می‌کند و درون غار قندیل‌های بسیار زیبایی وجود دارد که هر بیننده‌ای را به وجد می‌آورد. طول این غار حدود ۱۵۰ متر و عمق آب درون آن حدود ۵/۱ متر است. غارنوردی درون غار آبی ده گردو بسیار مهیج و لذت‌بخش است و به تفرجگاهی برای شهروندان ممسنی و شیراز تبدیل شده است. مستند کوله‌پشتی توسط اقبالپور از شبکه فارس در مورد این غار ساخته شده است. برای زمزمه در لحظه‌های دلگیر تنهایی و بی‌هم‌زبانی در گوشه‌ای، گردشگران زیادی اوقات فراغت خود را در این مکان‌ها می‌گذرانند.

تصویر ۲۹) ده گردو



۵-۲۷. سرنجک؛ ماسوله ممسنی

با رفتن به سمت بخش شرقی و جنوب شرق ممسنی، فضای کوهستانی و مرتفع غالب می‌شود. اقلیم، سردسیری و سکونت‌گاه‌ها، شکل و شمایلی خاص و منطبق بر وضعیت جغرافیایی می‌شود. اگر گفته شود بخش دشمن‌زیاری از جغرافیای سیاسی ممسنی، از هر جهت فضای گردشگری به‌شمار می‌رود، از واقعیت دور نشده‌ایم. جنگل‌های بلوط، چشمه‌ها و آب‌ها، نوع رفتار درخور مردمان این دیار، زمین‌های کشاورزی دیم واقع در تپه‌ها و ناهمواری‌ها و به‌ویژه چشم‌انداز غالب باغی از نوع تاکستان و درختان انگور، از زیبایی‌های این منطقه جغرافیایی است. سرنجک از جمله سکونت‌گاه روستایی این بخش است که به‌دلیل وجود درختانی به نام «سرنجل» اینطور نامیده شده است. موقعیت جغرافیایی سرنجک بین شهرستان‌های ممسنی، سپیدان و شیراز زمینه جذب گردشگر را به این ناحیه فراهم کرده، به‌طوری‌که در عیدنوروز مورد بازدید کثیری از شهروندان واقع می‌شود. علاوه بر ویژگی‌های جغرافیای طبیعی، آنچه که این سکونتگاه را متمایز ساخته، نوع سکونتگاه در این روستاست. نحوه استقرار پلکانی خانه‌ها، این زیستگاه را همانند ماسوله در استان گیلان کرده است. از این حیث، سرنجک را می‌توان «ماسوله ممسنی» نامید. در مجموع، می‌توان

سرنجلك را یکی از زیباترین نقاط گردشگری ممسنی نامید و برای افرادی که جامعه‌شناس روستایی و جغرافی‌دان روستایی و سکونت‌گاه‌پژوه هستند، می‌تواند نمونه‌پژوهی جالبی باشد.

تصویر ۳۰) سرنجلك؛ ماسوله ممسنی



۵-۲۸. رودشیر؛ جغرافیا و اقتصاد سیاسی

با امعان‌نظر به سرزمین چهارفصل ممسنی که آفتاب در قلمرو وسیع آن غروب نمی‌کند، بخش‌های دل‌انگیز مرکزی و ماهور میلانی به تدریج میزبانی خود را پس از فروردین‌ماه به بخش‌های جوزار و دشمن‌زیاری می‌سپارند تا در اردیبهشت‌ماه و گرمای تابستان میزبان ساکنان باشند. رودشیر از جمله این میزبانان در بخش جوزار ممسنی و نقطه صفر مرزی با سپیدان به‌شمار می‌رود که ضمن برخورداری از کارویژه توریستی، محل مناقشه ژئوپلیتیک بین دو شهرستان است. به لحاظ هویت فرهنگی / اجتماعی و پیشینه تاریخی، بدون‌شک رودشیر بخشی از پیکره فضایی ممسنی به‌شمار می‌رود که مردمان آن پیوندی ناگسستنی با هم‌نوعان خود در این دیار دارند که سرشار از اندرز و حکمت است. امروزه تفرجگاه رودشیر در سرحدات مرزی ممسنی از آب‌وهوای سرد و چشمه‌سارهای فراوانی برخوردار است که نشان از نقاش چیره‌دست طبیعت دارد. وجود باغ‌های سرسبز (سیب، گردو، هلو و امثالهم)، درختان رعناقامت سپیدار، چنار و بید در رودشیر نیز مزیدبرعلت شده و ضمن درآمدزایی برای ساکنان به تفرجگاهی بکر برای گردشگران تبدیل شده است. عزم نهادهای ذیربط برای حفظ سرحدات رودشیر در چارچوب جغرافیای سیاسی شهرستان از یکسو و اقدام نهادهای مرتبط با جاذبه‌های گردشگری در راستای توریست‌پذیری این تفرجگاه از اهمیت

بسزایی برخوردار است. ترمیم و بهسازی جاده ترانزیتی بخش جوزار می‌تواند به رونق گردشگری و درآمدزایی ساکنان کمک شایانی کند. ضمن آنکه عقد یادداشت تفاهم «خواهرخواندگی» میان رودشیر ممسنی با رودشیر سپیدان، گردشگری را میان این دو فضای جغرافیایی رونق می‌دهد.

تصویر ۳۱) فضای سرحدی و کوهستانی رودشیر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

۲۹-۵. مهرانجان: مکان، کانون علم جغرافیا

روستای مهرانجان در شمال غربی شهرستان و مرکز بخش جوزار از اقلیمی خوش آب‌وهوا و طبیعتی بکر برخوردار است. استقرار این سکونت‌گاه در کوهپایه کوه رُنْج، منادی صلح و آرامش و رفاه و شادی است و عبور رود شیرین به‌عنوان یکی از سرشاخه‌های رودخانه فهلیان از مجاور این سکونت‌گاه، نزدیکی به طبیعت، آمیختگی با موسیقی، داشتن رنگ ملی و ایرانی، دربرگیرنده‌ی مایه‌های حکمی و اخلاقی است. اکثر محصولات مهرانجان رنگ‌وبوی کشاورزی، باغداری، دامداری و صنایع دستی دارد. می‌توان به انار، انگور، میز، گردو، برنج، بنه، کلخنگ، بلوط، دوغ، ماست، کره محلی، گلیم و جاجیم اشاره نمود. از جمله تفرجگاه‌های دیدنی اطراف مهرانجان عبارتند از: آبشار تنگ اوخرون، کوه رُنْج، امامزاده شاهزاده حسین، تنگ بهاره، تنگ سه‌بُنگ، تنگ چنداردون، تل دَه‌مَن، تل جغا، ییلاق

مهرنجان، شالیزارها، جنگل های بلوط و جز اینها. در مجموع، بهسازی زیرساخت ارتباطی و مواصلاتی تنگ که در بخش جوزار می تواند نقش بسزایی در بازدید گردشگران از مهرنجان سرسبز و دلانگیز داشته باشد.

تصویر (۳۲) مهرنجان



۳۰-۵. جویجان؛ ناحیه بندی طبیعی

روستای جویجان یا جگون در بخش جوزار نورآباد، جاذبه های طبیعی و گردشگری فراوان و گسترده ای دارد که محور فکر آن، عشق به حقیقت، برتری یافتن خیر در برابر شر، بهروزی قوم ایرانی و در نهایت همه انسان های حق طلب است. از جمله این جاذبه ها می توان به آبشار جویجان در تنگ چر، تنگ سلب، چشمه سرحد پازنان، امامزاده صالح و به عبارتی شاهزاده صالحین اشاره کرد که گاهی ممدوح خود را به داشتن دلیری و سخاوت و خرد بر می انگیزخته است. آبشار زیبای تنگ چر جویجان در حدود ۴۲ کیلومتری شهر نورآباد، آبشاری است فصلی که از ارتفاعات کوه های پرپیر و نقاره خانه سرازیر می شود و منظره های بکر و زیبایی را به وجود می آورد که شامل باغات و اراضی شالی است. باتوجه به آب فراوان، برنج کاری و باغداری در این روستا رایج است. این روستا همچنین سرشار از حیات وحشی بکر و جنگل های طبیعی بنه، بادام و کلخنگ است که مقبول طبع گردشگران است. به دلیل درختان پرپشت چنار در تنگ چر

و رودخانه‌ای که از دل این منطقه عبور می‌کند، این منطقه در زمره خنک‌ترین نقاط فارس است. تنگ سلب از دیگر جاذبه‌های گردشگری بی‌نظیر جویجان، میزبان تیم‌های کوهنوردی در سطح استان فارس است. در مجموع، تلفیق «آب» و «جنگل»، سیمای جویجان را بوی موی جولیان ساخته است.

تصویر (۳۳) جویجان



۳۱-۵. چشمه آب گرم (او گرو)؛ منبع انرژی درمان مفاصل و پوست

چشمه آب گرم (او گرو) در مسیر مواصلاتی بلوار خلیج فارس به استان‌های همجوار نظیر بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان و در ارتفاع ۹۶۰ متری از سطح دریا قرار دارد. آبدهی این چشمه ۴۰ لیتر در ثانیه و درجه حرارت آن ۳۱ درجه سانتیگراد است. چشمه اوگرو از دیرباز مورد توجه اهالی روستای گچگران، ساکنان ممسنی و مسافران غیربومی جهت گذران اوقات فراغت بوده است. این چشمه تا اواخر دهه ۱۳۸۰ ه.ش به صورت سنتی مورد استفاده ساکنان قرار داشت، اما به تدریج کارویژه توریستی و اقتصادی آن مورد توجه مدیران وقت نورآباد ممسنی قرار گرفت. با احداث ساختمان استخر (متشکل از یک حوضچه آب و چند دوش آب گرم) توسط شهرداری نورآباد بر روی این چشمه آب گرم در زمینی به مساحت ۲۵۰۰ مترمربع و زیربنای ۵۰۰ مترمربع و صرف ۵ میلیارد ریال، کارویژه تفریحی/گردشگری و درآمدزایی آن تاحدودی افزایش یافت (حسینی، ۱۳۹۰). باتوجه به اینکه این چشمه معدنی در

مسیر گردشگری جاذبه‌های طبیعی دشت ارژن، تالاب پریشان، آبشار مارگون و همچنین آثار تاریخی بیشاپور کازرون و سرآب بهرام ممسنی واقع شده است، می‌تواند گردشگران بسیاری را به سوی خود جلب نماید. پوسیدگی لوله‌های حمام ساختمان این چشمه آب گرم به دلیل تأثیرات گوگرد/هیدروژن سولفور (که حتی بوی آب آن را متفاوت ساخته است)، بیانگر ضعف کارشناسی در پیش‌بینی چنین وضعیتی بوده است (حسینی، ۱۴۰۰: ۲۶۴). در مجموع، این چشمه با ترکیبات شیمیایی کلرور سدیم، سولفات کلسیم و گوگرد برای مصارف درمانی به‌ویژه بیماری‌های پوستی، تنفسی، عصبی روماتیسم و مداوای دردهای عضلانی کاربرد دارد و می‌تواند به عنوان پدیده توریسم درمانی مورد استفاده قرار گیرد. تقویت زیرساخت‌های این چشمه نظیر ساخت هتل برخوردار از امکانات ریلکسیشن (تن‌آرامی)، رستوران و هایپرمارکت می‌تواند به واسطه اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان ممسنی و دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه در شیراز زمینه را برای یادداشت تفاهم خواهرخواندگی چشمه آب گرم / اوگرو با چشمه‌های آب گرم سایر استان‌ها و حتی دیگر کشورها به عنوان پدیده‌ای محلی - جهانی فراهم سازد و منجر به اشتغالزایی گردد (حسینی و صادقی، ۱۴۰۲).

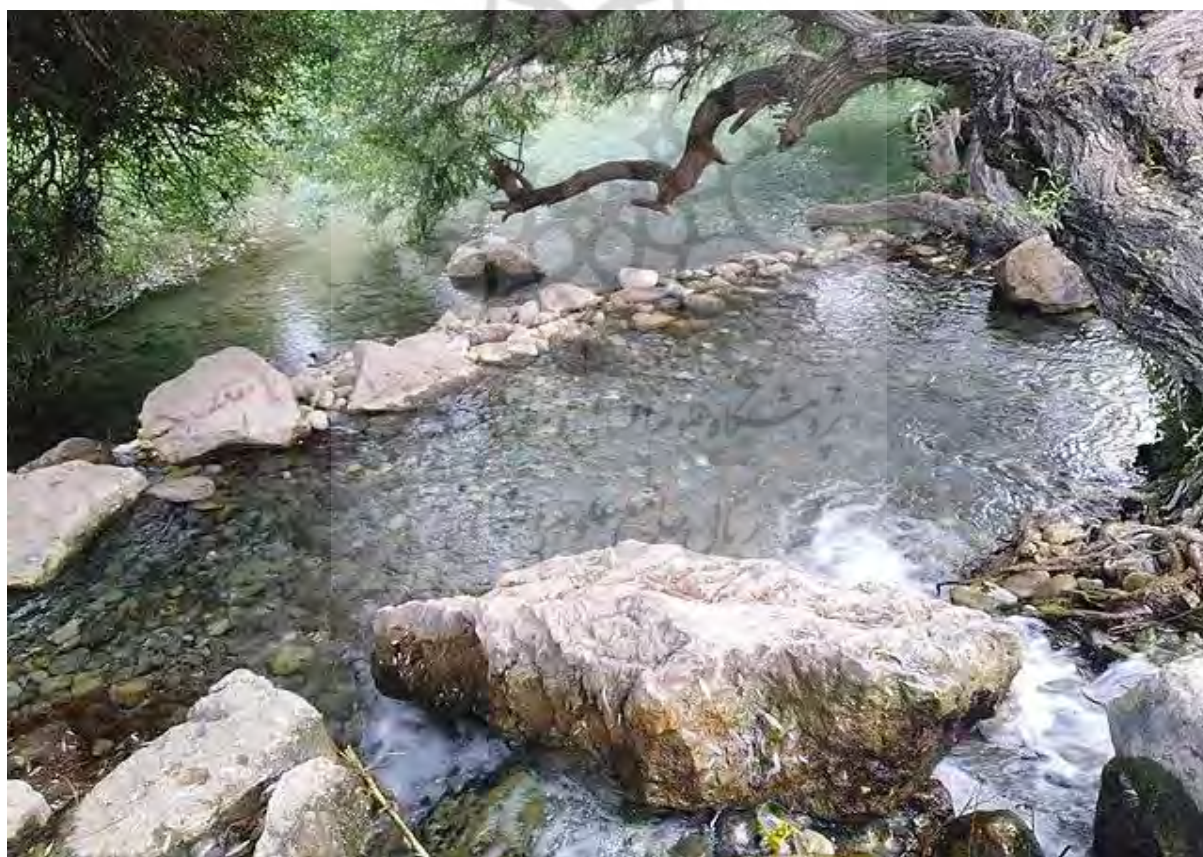
تصویر ۳۴ چشمه آب گرم (اگرو)



۳۲-۵. چشمه انجیری؛ رویش امید و انگیزه

چشمه انجیری در بخش سورنای شهرستان رستم و در شمال غربی شهر مصیری، همچون بهشتی است با آب زلال که آن را با نام چشمه مراسخون نیز می‌شناسند. این تفرجگاه دل‌نشین توأم با چشمه‌سارهای قابل توجه، طی چهار فصل سال از آب روان برخوردار است و خوش‌آمدگوی افراد دل‌شکسته و اندوه‌زده است. وجود پل تاریخی و باستانی پریم یا پرین در کنار چشمه انجیری، جان‌مایه آثار آنان در آن دوره، به‌سوی زندگی توأم با نشاط گراییدن است. موقعیت ترانزیتی پل پریم در حداثی میان شهرستان‌های رستم و گچساران باعث شده تا ساکنان هر دو شهرستان از چشمه انجیری بهره ببرند و از طبیعت انرژی مثبت دریافت کنند. مبلغ اعتباری تخصیص‌یافته برای محوطه‌سازی چشمه مذکور تا پایان سال ۱۴۰۱ قریب به یک‌میلیارد تومان بود و در سال ۱۴۰۲ محوطه‌سازی این چشمه با اعتباری بالغ بر یک‌میلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون تومان در دست اقدام قرار گرفت، ولی شواهد میدانی حاکی از این است که احداث مجتمع سرویس بهداشتی، دیوارکشی و سنگ فرش اطراف این چشمه هنوز به سرانجام نرسیده است.

تصویر ۳۵) چشمه انجیری



۶. دستاورد

قلمرو‌داری^۱ متکی بر گردشگری در سطح ملی و کلان جایگزین حکمرانی متکی بر نفت شده است. بنابراین پیشنهاد «شهرستان‌داری بر بنیاد گردشگری»، دستاورد متن‌پیش‌رو است. زرخیزی و طبیعت‌پایه بودن نورآباد به همراه مهمان‌نوازی و فرهنگ‌مداری انسان این دیار، فلسفه این تز و منطبق‌بودن این راهبرد بر فضای جغرافیایی نورآباد فارس است. بنابراین هم‌زیربنا وجود دارد و هم روبنا، به‌سامان است. حکمروایی براساس گردشگری در درجه‌نخست، نگرش و بینش جغرافیایی را می‌طلبد. معمولاً مقامات و کارگزاران، چنین نگرشی نداشته‌اند و یا مورد عنایت قرار نگرفته و توسعه‌مندی نورآباد را از منظرهای دیگر در دستور کار قرار می‌دادند که جملگی ناقص و نه‌تنها به‌سمت توسعه گام برداشته نشد بلکه توسعه پایدار و محیط‌زیست، دچار فروسایبی و آسیب شد. باتوجه‌به تغییرات آب‌وهوایی و گرامایش زمین، نورآباد فارس، آن ظرفیت دیرینه در کشاورزی و تولید را از دست داده است. همین‌طور نبود منابع آبی و فقدان صنعت و دیگر شاخص‌های رشدیافتگی، عملاً این فضای جغرافیایی را از توانمندی فروکاسته و تنها می‌توان در حیطه نیروی انسانی و منابع گردشگری مانور داد. هر دو مقوله جزء نیازمندی‌های یک جامعه برای زیست‌پذیری شهری است و پراهمیت محسوب می‌شود. در درجه‌نخست، تزریق نیروی انسانی باسواد به بدنه کارگزاری - اداری این شهرستان در حوزه مدیریت، نیازی حیاتی است تا ظرفیت‌های جغرافیایی مناطق را شناخته و فراوری و از این منابع انرژی برای کسب سرمایه و توسعه‌یافتگی سود جوید. قلمروداران و مقامات نورآباد، با مرکزیت ارگان‌های فرمان‌ران، باید چشم‌انداز توسعه این دیار را متکی بر این منابع انرژی طرح‌ریزی کنند و اقداماتی را در دستور کار قرار دهند که کمک حال روند توسعه‌یافتگی نورآباد باشد. حکمرانی متکی بر گردشگری پیش‌از‌همه در مقیاس همسایه‌ای جواب‌گوی است؛ چراکه همسایگان ممسنی، اولاً نزدیکی جغرافیایی دارند و درثانی، نورآباد را از حیث گردشگری توانمند دیده‌اند و ثالثاً تصویرسازی مطلوبی از انسان نورآباد فارس دارند. اؤلیای امور، جاذبه‌ها و منابع انرژی را فضایی و مکانی رسانه‌ای کنند. یعنی جاذبه‌های گردشگری پیرامون - مرزی را برای شهرستان همجوار و منابع انرژی درون شهرستان را برای مکان‌های مرکزی، به‌این‌دلیل که فاصله / زمان برای گردشگر اولویت اساسی است، درغیراین دو صورت، رسانه‌ای کردن فضاهای جغرافیایی انرژی‌زا و دیدنی برای همه نقاط همسایگان ضروری و سرمایه‌ساز است. در مقیاس منطقه‌ای، نورآباد با معرفی و ساماندهی منابع انرژی درون، می‌تواند جایگاه گردشگری خود را در سطح استان پیدا کند. در مقیاس ملی، معرفی منابع طبیعت‌پایه و تاریخی و تمدنی از طریق رسانه ملی کارساز است و در مقیاس کلان‌تر، رنگین‌بودن پوست و چشم جغرافیای بدن انسان این دیار و تمایل این شهر دانشجو به علم و تکنولوژی سطح اول دنیا، باعث همذات‌پنداری با گردشگر خارجی می‌شود.

^۱. کشورداری

۷. آسیب‌شناسی فضای گردشگری نورآباد فارس و نتیجه‌گیری

بر بنیاد یافته‌های پژوهش، نورآباد فارس مهد گردشگری و جغرافیای انرژی است. شادزیستی خوراک انسان این دیار است، به طوری که حضور در طبیعت را مایهٔ تسلی خاطر خویش می‌پندارند. رودخانه‌های خروشان، آبشارهای خوش طنین و جنگل‌های بکر بلوط در چارچوب «سرزمین چهارفصل» جملگی در تبدیل نورآباد فارس به «استرالیای زاگرس و قطب گردشگری فارس» نقش‌آفرین ظاهر شده‌اند. اقلیم سردسیری بخش‌های جوزار و دشمن‌زیاری، اقلیم گرمسیری بخش ماهور میلانی، آب‌وهوای معتدل بخش مرکزی و رستم در تنوع جاذبه‌های گردشگری این قلمرو نقش بسزایی داشته‌اند، به طوری که از زمستان تا اردیبهشت میزبان گردشگران هستند. باین حال وجود برخی خرده-فرهنگ یا سنت، موجب شده تا بعضاً گردشگران کمتر به این منطقه حضور پیدا کنند. تیراندازی و صدای بلند موسیقی خانوارها در چنین فضاهایی موجب شده تا گردشگری احساس ناامنی و ناراحت شوند. برای مثال در فروردین ۱۴۰۳ نگارندگان در برخی نقاط (دالون و تنگ‌سا) به‌عینه شاهد مراسم تیراندازی برخی از افراد خانواده‌ها که هنوز برنو دوست دارند، بودند و همین برای افراد و گردشگرانی که در این منطقه چادر زده بودند، چندان خوشایند به‌نظر نمی‌رسید. همچنین اخیراً وقتی که خانواده‌های نورآبادی در ایام تعطیلات نوروز در چنین فضاهای گردشگری پاتوق می‌انداختند، هر یک با خود باند صوت بزرگی داشتند که موسیقی محلی را پنخش و گوش می‌کردند. آهنگ علی برونش با صدای فرشید حکمتی (استودیو فلورانس) و آهنگ بیعاری سعید حسینی در فروردین ۱۴۰۳ به‌اصطلاح ترند شده بود و صدای باندها آنقدر بلند که تاحدودی آرامش دیگر گردشگران را برهم می‌زد. باید درنظر داشت که اصلی‌ترین مؤلفه برای گردشگری، امنیت و فرهنگ درست فضای گردشگری است و از این حیث نورآباد فارس، جایگاه مطلوبی دارد و پذیرایی و درست‌کاری مردم این دیار و رفع برخی نکات منفی فوق‌ذکر می‌تواند جایگاه این شهرستان را در جذب گردشگری تغییر و ترمیم کند. در مجموع، می‌توان گفت نورآباد فارس از جاذبه‌های گردشگری فراوانی در اقصی نقاط قلمرو جغرافیایی خود برخوردار است که در این میان ۳۲ جاذبه گردشگری در صورت بسترسازی لازم از سوی نهادهای ذیربط قادر به جذب بیشترین میزان گردشگر در مقیاس استانی، ملی و حتی بین‌المللی هستند که می‌تواند اشتغالی و درآمدزایی برای افراد بومی را به‌همراه داشته باشد.

۸. راهکارها

الف) اقدام اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در معرفی جاذبه‌های گردشگری از طریق کاتالوگ، خبرگزاری‌های محلی، رسانه‌های استان فارس و پیج‌های گردشگری در شبکه اجتماعی پرطرفدار اینستاگرام از یکسو و تخصیص بودجه و اعتبار برای بهسازی آثار تاریخی و نیازمندی‌های مناطق گردشگری (تأسیس سرویس بهداشتی، هایپرمارکت، تأمین سطل زباله، آب آشامیدنی و از این قبیل) از سوی دیگر؛

ب) اقدام شهرداری‌ها مبنی بر ساماندهی مراکز گردشگری / تفریحی در محدوده شهر؛

ج) اقدام اداره راه و شهرسازی در زمینه بهسازی زیرساخت‌های ارتباطی تفرجگاه‌ها و مناطق گردشگری؛

۹- تقدیر و تشکر

از افرادی که آثارشان مورد استفاده قرار گرفته است قدردانی می‌شود. از عکاسانی که تصاویر آنها در مقاله آورده شده است سپاس‌گزاری می‌شود. همچنین از دکتر مشتاق ریسی، ویراستار ادبی که زحمت ویراستاری متن را بر عهده گرفتند تشکر می‌شود.

۱۰- منابع مالی

نویسندگان از هیچ حمایت مالی و انگیزشی برای نوشتن مقاله پیش‌رو برخوردار نبودند. در صورتی که نیاز به منبع مالی و انگیزشی برای بررسی چشم‌انداز و ظرفیت‌سنجی و چگونگی ساماندهی مناطق گردشگری نیاز مبرم به‌نظر می‌رسید. با این حال نویسندگان برای نوشتن متن حاضر، خودانگیزخته فضاهای جغرافیایی گوناگونی را با هزینه شخصی پیمودند. حمایت درگاه احدیت همراه ایشان باد.

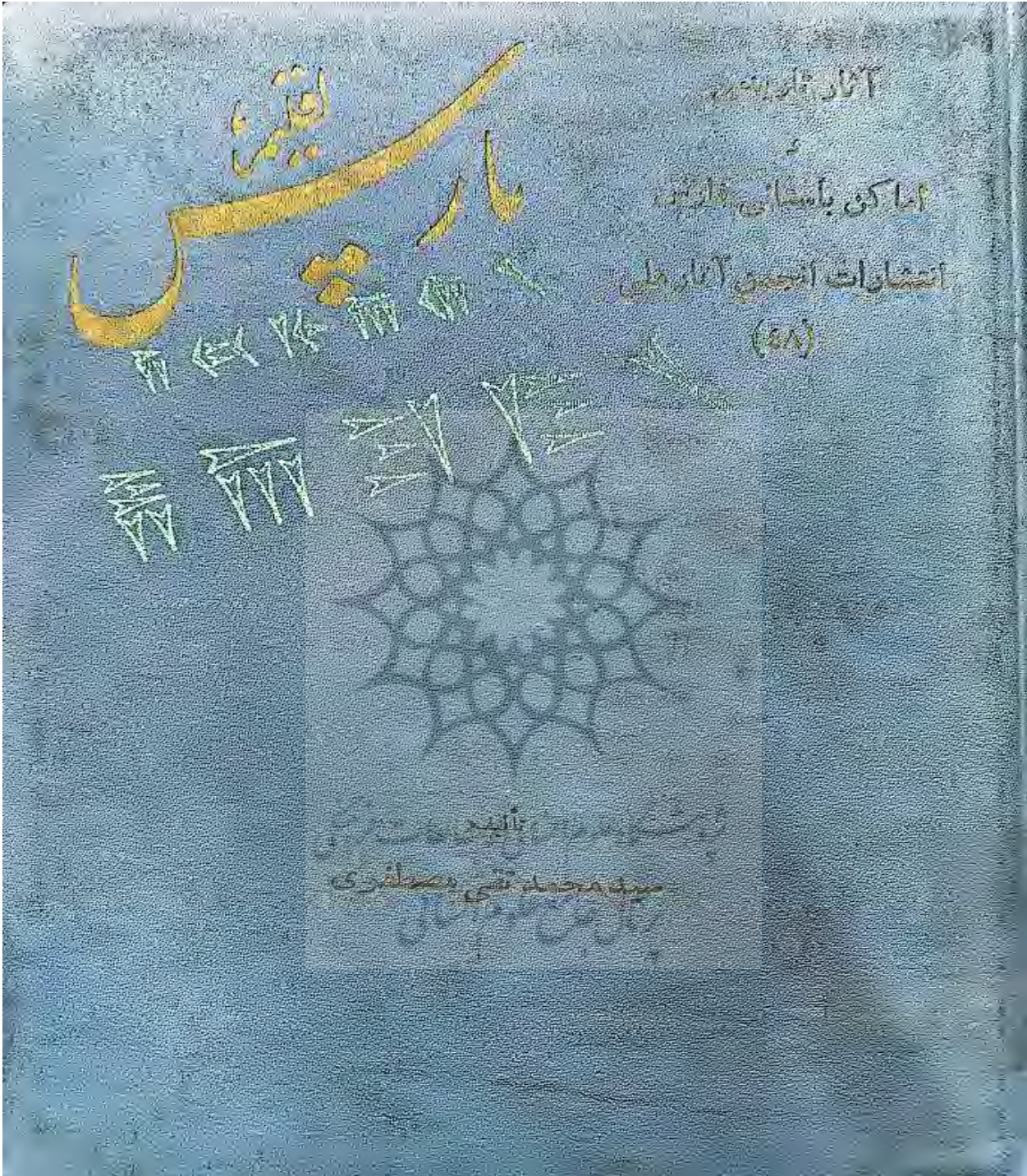
۱۱- فهرست منابع

- بهنام، امیر (۱۳۹۲)؛ دیدنی‌های ایران، مشهد، انتشارات امیدمهر.
- حبیبی‌فهلپانی، حسن (۱۳۹۷)؛ جلوه‌های تاریخی و فرهنگی شهرستان‌های ممسنی و رستم به روایت تصویر، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- حسینی، سیدقاسم (۱۳۹۰)؛ آب‌درمانی در چشمه آب گرم گچگران: پتانسیلی دست‌نخورده در ممسنی، وبلاگ درخید رستم ممسنی.
- حسینی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۰)؛ دگرگونی‌های اجتماعی سکونتگاه گچگران، مشهد: انتشارات ارسطو.
- حسینی، سیدمحمدحسین و صادقی، وحید (۱۴۰۲)؛ چشمه آب گرم/ او گرو، جاذبه تفریحی/توریستی شهرستان ممسنی: گامی به سوی خواهرخواندگی ملی و بین‌المللی، پایگاه خبری - تحلیلی صدای ایل.
- داودی، حسین و همکاران (۱۳۹۱)؛ ادبیات فارسی (۲)، سال دوم آموزش متوسطه، نظری - فنی و حرفه‌ای - کاردانش، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- راهنمای گردشگری استان‌های ایران (۱۳۹۴)؛ چهره ایران، زیر نظر سعید بختیاری، تهران، انتشارات گیتاشناسی.
- رزمجویی، فاطمه و مؤدب، ساسان (۱۳۹۵)؛ گردشگری تاریخی در روستای هریرز، اولین همایش بین‌المللی بازانديشي توسعه پایدار.
- زنده‌دل، حسن و دستیاران (۱۳۷۷)؛ مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی (۱۴) استان فارس، تهران، نشر ایران‌گردی.
- شکویی، حسین (۱۳۹۳)؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، (جلد اول)، سری کتاب‌های جغرافیایی-۲۶۸، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات گیتاشناسی.

- مسلمی، اعظم (۱۳۸۰)؛ ممسنی و بهشت گمشده، مشهد، انتشارات شیرازگان.
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۴۳)؛ اقلیم پارس، آثار تاریخی و اماکن باستان فارس، چاپ تابان، انتشارات انجمن آثار ملی (۴۸).
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)؛ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر با همکاری یحیی صفوی، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- نوبان، مهرالزمان (۱۳۷۶)؛ نام مکان‌های جغرافیایی در بستر زمان، انتشارات ما.
- یاحقی، محمدجعفر و فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۶)؛ تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱)، سال دوم آموزش متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- یوسفی، جلال (۱۴۰۱)؛ مقدمه‌ای تاریخی بر مردم‌شناسی ایل مماسن (ممسنی)، نامه انسان‌شناسی، سال نوزدهم، شماره ۳۵.
- Hardin, G. (1968), The Tragedy of the Commons: The population problem has no Technical Solution; It Requires a fundamental Extension of Morality, SCIENCE (162) 1243-8.
- Laver, M. (1986), Public, Private and Common in Outer Space, political Studies (34) 359-73.



کتاب اقلیم پارس



انسان بالدار به نام کورش بزرگ

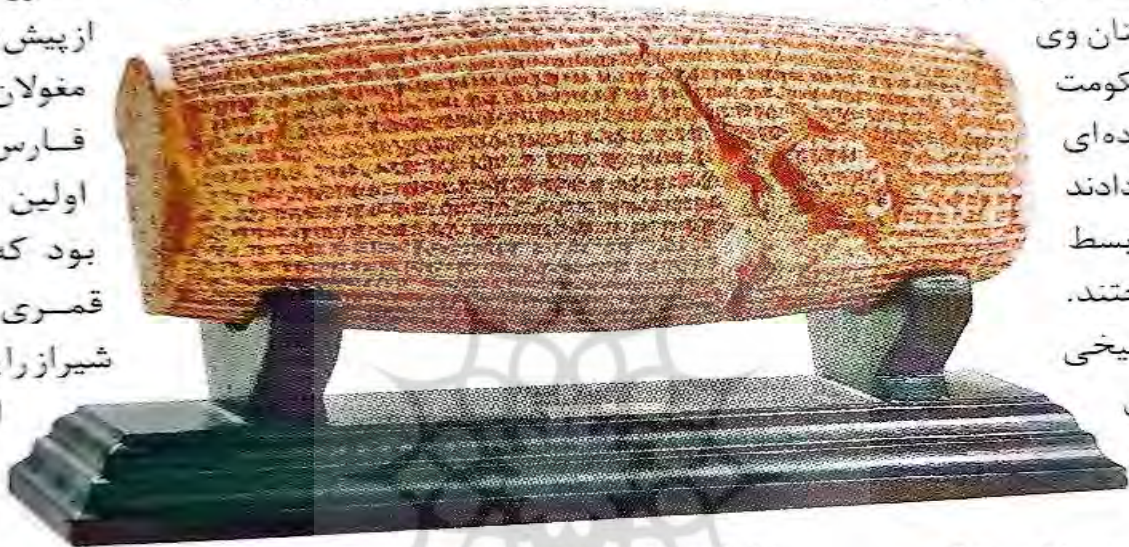


منبع: اقلیم پارس، مصطفوی

منشور حقوق بشر کوروش کبیر

تسخیر سراسر پارس، کرمان، اصفهان و خ
 با اردوان پنجم به پیروزی رسید و در سا
 بابکان سلسله ساسانیان را پایه گذاری نه
 مسلمانان نخستین بار در دوران خلا
 سرزمین فارس کردند. با وجود مقاو
 مسلمانان، آنان عاقبت شهرهای مهم
 درآوردند. وسعت قلمرو ف

از پیش از
 مغولان
 فارس
 اولین ا
 بود که
 قمری ا
 شیراز را پ
 از



واحی شمال غربی ایران تشکیل دادند. بنیانگذار
 کو بود که از پایتخت خود (هگمتانه) بر سراسر
 م می راند. پارسیان که خود حکومتی محلی و
 نا در نواحی پارس (فارس کنونی) تشکیل داده
 یرت یافتند و سرانجام کوروش کبیر، بنیانگذار
 نیان، در سال ۵۵۰ پیش از میلاد با شکست
 حکومت ماد را منقرض نمود.

انشینان وی
 ب حکومت
 ئسزده ای
 مان دادند
 ن به بسط
 برداختند.
 خط میخی
 های
 ال
 ت

نخستین منشور حقوق بشر کوروش کبیر
 خستین منشور حقوق
 ضه کرده است. کوروش کبیر پس از حدود
 ، در جنگ با سکاها کشته شد و پسرش
 رفت. او به مصر لشکر کشید و آنجا را تسخیر
 ت. آنگاه، داریوش بزرگ بر تخت امپراتوری
 و ۳۵ سال بر ایران فرمان راند. از دوران
 کتیبه های بسیاری بر جای مانده که همه
 ت. پادشاهان هخامنشی، شهرها، متعده

بر
 شدند. در این زمان سلسله اتابکان فارس
 سلسله در سال ۵۴۳ هجری قمری بر و
 کردند و چندی نگذشت که فارس به دست
 در سال ۷۵۴ هجری قمری یکی از پاد
 فارس را تصرف کرد و نیز سرزمین فارس
 قمری تحت استیلای شاه اسماعیل اول
 هجری قمری در جنگ زمان شاه اف

فردوسی پارسی گو



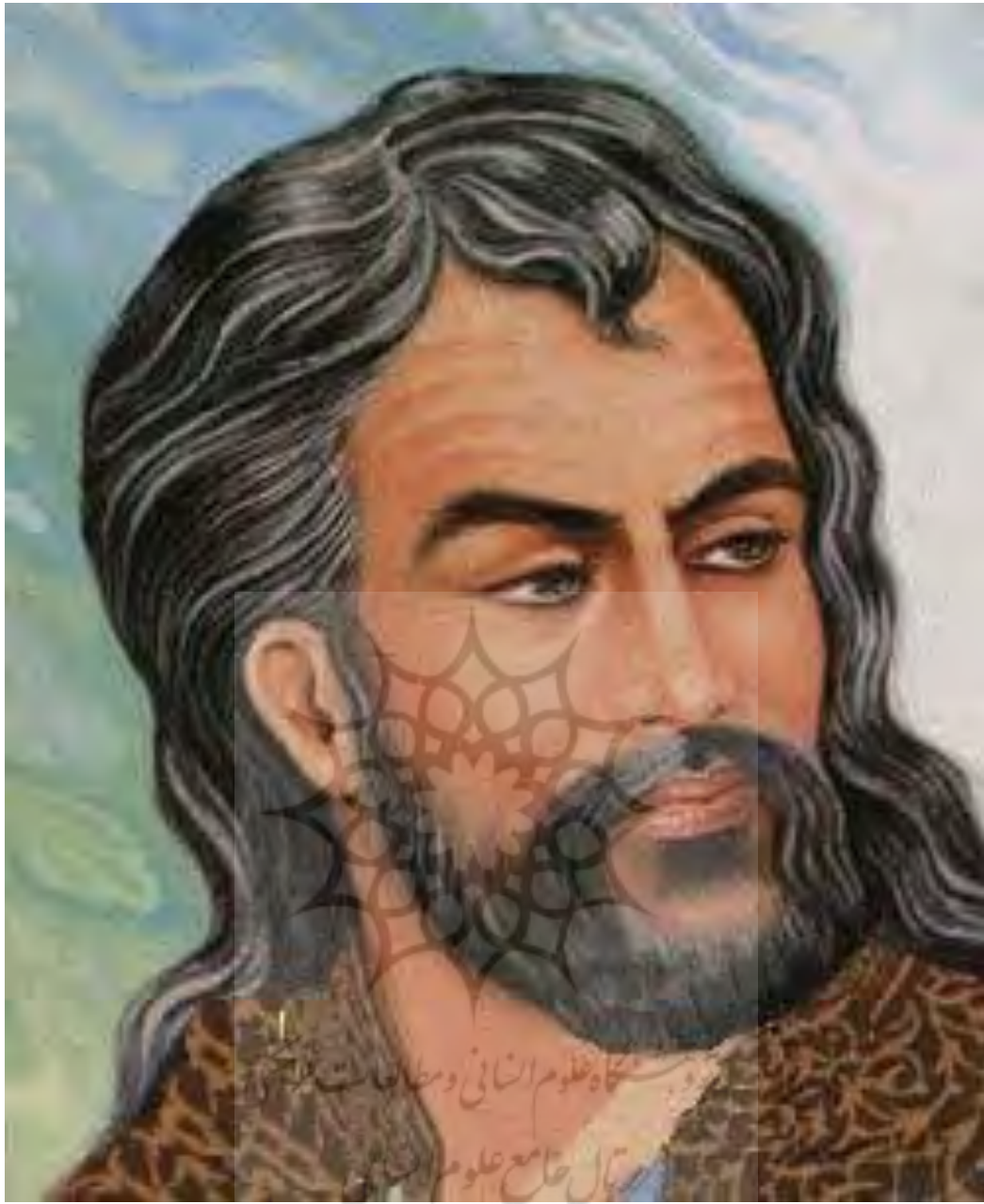
مولوی، خداوندگار عشق و عرفان



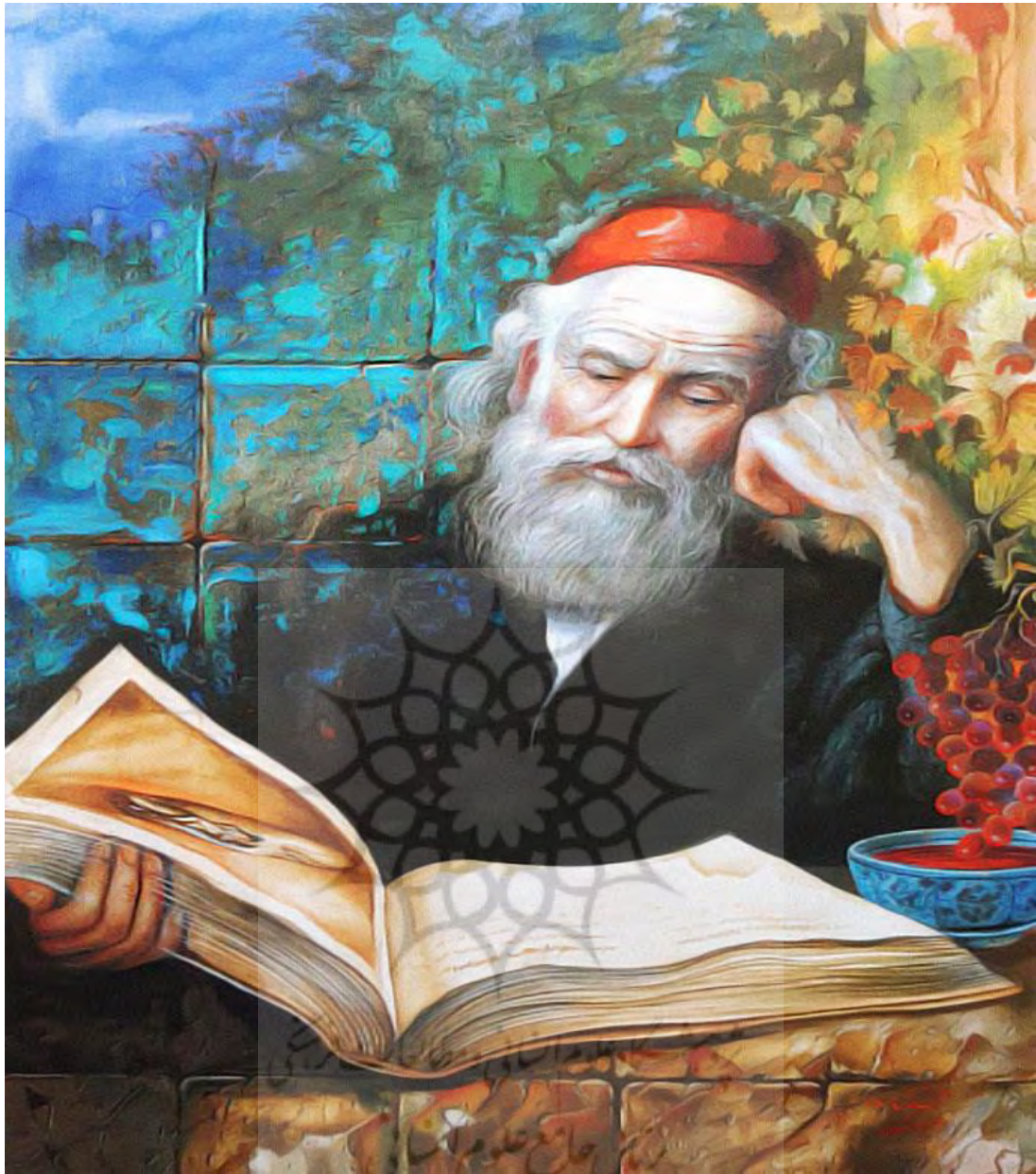
سعدی، فرمانروای مُلکِ سخن



حافظ، رند فرزانه‌ی شیراز



خیام و ترنه‌های فلسفی‌اش

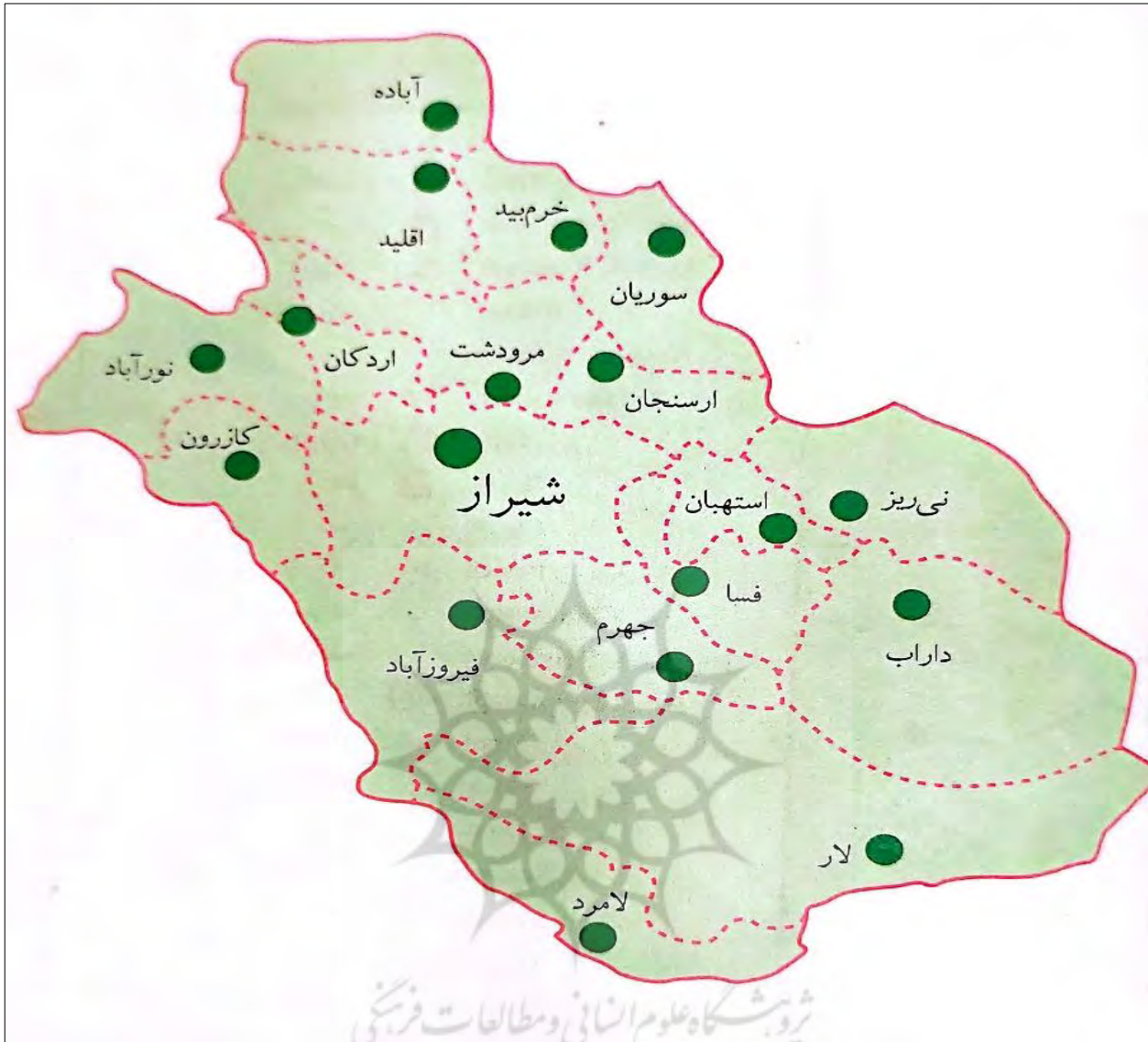


نورآباد فارس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استان فارس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آداب و رسوم جمعی خانوادگی نورآباد فارس



مراسم عروسی در نورآباد فارس



پیمان جلیل علوم انسانی

جمع خانوادگی نورآباد فارس



دیدار نخبگان با ملاگرگعلی صادقی نویسنده



آش کنگری

